

والاخبار - هزار ورق . كتاب الرد على اهل الافك . كتاب المشكل . كتاب الواضح والفاضح - للساعى . كتاب صفة اخلاق النبي صلعم . كتاب اعلام النبي صلعم . كتاب المعرفة . كتاب الدعاء . كتاب المستقبل والمستدير . كتاب الاجماع . كتاب ابطال التقليد . كتاب ابطال القياس . كتاب خبر الواحد . كتاب خبر الموجب للعلم . كتاب الحجّة . كتاب الخصوص والعموم . كتاب المفسر والمجمل . كتاب ترك الاكفار . كتاب رسالة الربيع بن سليمان . كتاب رسالة ابي الوليد . كتاب رسالة القطان . كتاب رسالة هارون الشارى . كتاب فصاح<sup>۱</sup> پانصدورق . كتاب الايضاح چهار هزار ورق . كتاب المتعة .

محمد بن اسحاق گوید : اين كتابها را از روى نسخه بسيار قديمى كه بخط محمود مروزى بود يافته و نوشته ام ، و بگمانم وى از پروان مذهب داود بوده ، منتهى معروفيتى نداشته است .

و داود بمسائلى جواب داده كه از نقاط مختلف برايش ميفرستادند كه از آن جمله است :

كتاب المسائل الاصفهانيات . كتاب المسائل المكتومات . كتاب المسائل البصريات . كتاب المسائل الخوارزميات . كتاب الكافي فى مقالة المطلبى - يعنى الشافعى . كتاب مسئلتين خالف فيها الشافعى . و كتابهاى اول مشتمل بر كتابى است بنام ، كتاب السير .

### محمد بن داود

مكنى بابوبكر . فقيه در مذهب پدرش ، فاضل و دانشمند ، واديب ، و شاعر اخبارى ، ويكى از ظرفاء با حجب و حياى بود ، و ما تصنيفات او را در ادب و شعر ، در جاي خود ضمن مقاله اخباريان و نسابان و اديبان ، بيان داشتيم . ولادتش در ... و وفاتش در ... و از كتابهاى فقهى اوست :

كتاب الانذار . كتاب الاعذار . كتاب الوصول الى معرفة الاصول . كتاب الاجاز . كتاب الرد على ابن شرسير . كتاب الرد على ابي عيسى الضرير . كتاب الانتصار من ابي جعفر الطبرى .

### ابن جابر

#### از فرزندان داوديان

ابو اسحاق ابراهيم بن ... ابن جابر ، از علماء و بزرگان داوديان ، و از كتابهاى

اوست : کتاب الاختلاف - که بزرگتر از آن دیده نشده ، و اصحابش آنرا میستایند .

### ابن مغلس

ابوالحسن عبدالله بن احمد بن محمد بن مغلس ، که در زمان خود ، ریاست برداودیان را داشته و بعد از وی هم کسی چون او دیده نشد . مردی فاضل ، و عالم ، و بزرگوار ، و صادق ، و مورد اعتماد بود ، و مردم ویرا برتر از همه میدانستند . در بغداد خانه برنهر مهدی<sup>۱</sup> داشت ، که از شهرستانها مردم بآن روی میآوردند . وفاتش در چهاردهم جمادی الاخر سال سیصد و بیست و چهار و این کتابها از اوست : کتاب الموضح . کتاب المزنی . کتاب المنجح . کتاب المفصح . کتاب احکام القرآن . کتاب الطلاق . کتاب الولاء :

### منصوری

ابوالعباس احمد بن محمد بن صالح ، از پیروان مذهب داود ، و فضلاء داودیان بود ، و کتابهای بزرگ و نیکوئی دارد ، که از آن جمله است : کتاب المصباح - بزرگ . کتاب الهادی . کتاب النیر .

### رقی

ابوسعید ، از پیروان مذهب داود ، و علماء آنان ، و این کتابها از اوست : کتاب الاصول - مشتمل بر یکصد کتاب ، بطرز کتابهای داود . و ما نیازی بذکر آنها نداریم ، و جز آن ، کتاب شرح الموضح . نیز از اوست .

### نهربانی

نامش حسن بن عبید ، ابوسعید ، و از کتابهای اوست : کتاب ابطال القیاس .

### ابن خلاد

مکنی بابوالطیب ، و این کتابها از اوست : کتاب ابطال القیاس . کتاب النکت . کتاب نعت الحکمة فی اصول الفقه . که شامل چندین کتاب است .

۱- نهر مهدی - شاخه از نهر فضل است که بطرف شرق رصافه میرود ، و يك شاخه آن بقصر مهدی و مسجدش رفته و بدجله میریزد (دلیل خارطة بغداد ص ۱۱۰) .

## رباعی

نامش ابراهیم بن احمد بن حسن ، مکنی بابواسحاق ، از علماء داودیان ، و قریب العهد بما بود. از بغداد بمصر رفته ، و همانجا در سال ... وفات یافت. از کتابهای اوست : کتاب الاعتبار فی ابطال القیاس .

## حیدره

کنیه اش ابوالحسن ، از نیکان ، و فقیهان بمذهب یارانیش بود . من ویرا دیده ، و با هم دوستی داشتیم وفاتش در ... و از کتابهای اوست ...

## قاضی حرزی

## ایده الله

ابوالحسن عبدالعزیز بن احمد اصفهانی حرزی ، از علماء ادیان در این عصر ما بوده ، و در این مذهب مقام و منزلتی دارد ، و از فضلا مصنفان بشمار میرود . تولدش در سال ... و عضدالدوله ، قضاوت قسمت سفلی شرق مدینة السلام<sup>۱</sup> را باو واگذار نموده ، که تا این تاریخ ، سال سیصد و هفتاد و هفت ، بهمین کار اشتغال دارد . و از کتابهای اوست : کتاب مسائل الخلاف<sup>۲</sup> .

۱- ر.ک. بصفحة ۶۷ این کتاب .

۲- ش در حاشیه دارد (با دستور مصنف مقابله گردید و صحیح است) .

فقهاء شیعه و محدثان و علماء آنان

## بسم الله الرحمن الرحيم

فن پنجم - از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول

بر اخبار فقهاء شیعه و نام تصنیفات آنان

محمد بن اسحاق گوید : سلیم بن قیس هلالی از اصحاب علی علیه السلام بود ، چون حجاج قصد دستگیری و قتلش را داشت ، گریخته و با بان بن عیاش پناه آورد ، او نیز پناهِش داده بود و همینکه بحال احتضار افتاد ، با بان گفت ، تو حق بسیاری بر من داری ، و اکنون مرگ من فرا رسیده . ای برادرزاده من ، رسول خدا صلعم ، چنین و چنان می‌کرد ، و کتابی با بان داد که مشهور بکتاب سلیم بن قیس هلالی است ، و بان بن عیاش آنرا از وی روایت کرده ، و جز او ، دیگری روایت نکرده است . و بان در ضمن سخنانش می‌گفت که ، قیس پیرمرد نورانی بود .



و اولین کتابی که از شیعیان هویدا شد ، کتاب سلیم بن فیس هلالی است که ابان بن عیاش راوی آن بوده ، و جز وی کسی دیگر روایت نکرده است .

### کتابهاییکه در اصول و فقه تصنیف

#### شده و نام مصنفان آنها

محمد بن اسحاق گوید : این اشخاص بزرگان شیعه اند که فقہرا از ائمه روایت نموده ، و ما بدون رعایت ترتیب بذکرشان میپردازیم . و از آن جمله است ، کتاب صالح بن ابوالاسود . کتاب علی بن فرات . کتاب ابی یحیی لیث المرادی . کتاب زریق بن الزبیر . کتاب ابی سلمة البصری . کتاب اسماعیل بن زیاد . کتاب ابی احمد عمر بن الرضیع . کتاب داود بن فرقد . کتاب علی بن رباب<sup>۱</sup> . کتاب علی بن ابراهیم بن یعلی<sup>۲</sup> . کتاب هشام بن سالم . کتاب محمد بن الحسن العطار . کتاب عبدال مؤمن القاسم الانصاری . کتاب سیف بن عمیرة - النخعی . کتاب ابراهیم بن عمر الصنعانی . کتاب عبدالله بن میمون القداح . کتاب الربیع بن ابی مدرك . کتاب عمر بن ابی زیاد الابراری . کتاب زکارب بن یحیی الواسطی . کتاب ابی خالد بن عمرو بن خالد الواسطی . کتاب حریر بن عبدالله الازدی السجستانی . کتاب عبدالله - الحلبي . کتاب زکریا المؤمن . کتاب ثابت الضریر : کتاب مثنی بن اسد الخیاط . کتاب عمر بن آذینه . کتاب عمار بن معاویة الدهنی العبدی الکوفی . کتاب معاویة بن عمار الدهنی . کتاب الحسن المحبوب السراد - که همان زراد<sup>۳</sup> است ، و از اصحاب رضا علیه السلام . و بعد از او - محمد فرزندش بود .

#### ابان بن تغلب

این کتابها از اوست : کتاب معانی القرآن - نازک است . کتاب القراءات . کتاب من - الاصول فی الراویة علی مذهب الشیعة .

#### خاندان زرارة بن اعین

زراره لقبش بود نامش عبدربه ، و برادر حمران بن اعین است : که از نحویان

۱ - ش - بی نقطه ف - (رثاب) . ۲ - ف (معلی) .

۳ - ف (الوارد) و زراد بمعنی زره باف است که سراد نیز بهمین معناست (اقرب الموارد) .

بشمار میرفت و پسران او حمزة بن حمران، و محمد بن حمران، و بکیر بن اعین، و پسرش عبدالله بن بکیر، و عبدالرحمن بن اعین. و عبدالملک بن اعین و پسرش ضریس بن اعین، همه از اصحاب ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام بودند.

اعین بن سنبس از نژاد رومیان است که برده زرخرید مردی از بنی شیبان بود؛ و قرآن را فرا گرفت، و آن مرد، ویرا آزاد داشته، و بوی پیشنهاد کرد که در نسبش درآید، اعین نپذیرفت، و گفت بگذار من بهمان ولاء، و دوستی با تو باقی باشم.

سنبس در یکی از شهرها راهب، و مکنی بیکیر ابو جهم بود، و زراره نیز ابوعلی کنیه داشت. زراره در فقه، و حدیث، و معرفت بکلام، و تشیع، از بزرگترین رجال شیعه است، و فرزندی بنام حسن بن زراره داشت، که این حسن از اصحاب جعفر بن محمد بود، و از زراره بن اعین، و عبید بن زراره، روایت نموده، و دیدگان احوالی داشت.

### یونس بن عبدالرحمن

از اصحاب موسی بن جعفر علیه السلام، و از دوستان خانانان یقطین، و علامه زمان خود بود. در مذهب شیعه تصنیف و تألیف فراوانی دارد. این کتابها از اوست. کتاب علل الاحادیث. کتاب الصلوة. کتاب الصیام. کتاب الزکوة. کتاب الوصایا و الفرائض. کتاب جامع الانار. کتاب البداء.

### بز نطی

از علماء شیعه، احمد بن محمد بن ابونصر بز نطی است، که از اصحاب موسی علیه السلام بود، و این کتابها از اوست: کتاب مارواه عن الرضا علیه السلام. کتاب الجامع. کتاب المسایل.

### برقی

ابوعبدالله محمد بن خالد برقی قمی، از اصحاب رضا (علیه السلام) و فرزندش (ابو) جعفر بود و گویند، ابوالحسن کنیه داشت. این کتابها از اوست: کتاب العویص. کتاب التبصره. کتاب المحاسن. کتاب الرجال. و در آن کسانی را ذکر کرده که از امیر المؤمنین

علی علیه السلام<sup>۱</sup> روایتی دارند ، و بخط ابوعلی بن همام خواندم : کتاب المحاسن برقی ، مشتمل بر هفتاد و اندی کتاب و بقولی ، هشتاد کتابست که تمام آنها را ابوعلی همام دارد . کتاب المحبوبات . کتاب المکروهات . کتاب طبقات الرجال . کتاب فضائل الاعمال . کتاب التحذیر . کتاب التخویف . کتاب الترهیب . کتاب الحیره والصفوة . کتاب الاحادیث . کتاب معانی الاحادیث و التحریف . کتاب الفروق . کتاب الاحتجاج . کتاب اللطائف . کتاب المصالح . کتاب تفسیر الرؤیا . کتاب صوم الايام . کتاب السماء . کتاب الارضین . کتاب البلدان . کتاب ذکر الکعبة . کتاب الحیوان والاجناس . کتاب احادیث الجن والانس . کتاب فضائل القرآن . کتاب الازاهیر . کتاب الاوامر والرواجز . کتاب ما خاطب الله به خلقه . کتاب الانبیاء والرسل . کتاب الجمل . کتاب جدول الحکمة . کتاب الاشکال . کتاب القرائن . کتاب البرائر . کتاب الرياضة . کتاب الاوائل . کتاب التاريخ . کتاب الاسباب . کتاب المآثر . کتاب الاصفیة . کتاب الافانین . کتاب الروایه . کتاب النوادر .

### پسرش احمد

ابن ابو عبدالله محمد بن خالد برقی ، و این کتابها از اوست . کتاب الاحتجاج . کتاب السفر . کتاب البلدان - و این کتاب از کتاب پدرش بزرگتر است<sup>۲</sup> .

۱- ف (رضی الله عنه) .

۲- در چاپ فلوکل بتبعیت از نسخه خطی شهید علی پاشا پس از - برقی - حسن بن محبوب ، و سپس ، مندرجات نوشته علی بن همام راجع بکتاب المحاسن برقی را آورده ، و پس از آن دارد - ابنه احمد - که باین ترتیب ، مرجع ضمیر - ابنه - حسن بن محبوب میشود . و حال آنکه چنین نبوده ، و مرجع ضمیر برقی بوده ، و احمد پسر اوست . بنا بر این ما مندرجات نوشته علی بن همام را پس از شرح حال برقی ، و پس از آن شرح حال احمد پسر برقی را گذاشتیم ، و حسن بن محبوب را بدنبال احمد آوردیم که این پیچیدگی و توهم بودن احمد پسر حسن بن محبوب برطرف شود .



### حسن بن محبوب سراد که

#### همان زراد است

وی از اصحاب مولای ما ، رضا و پسرش محمد (علیهما السلام) بود ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب النکاح . کتاب الفرائض و الحدود والديات .

### حسن و حسین اهوازی

#### فرزندان سعید

از مردم کوفه ، و بردگان علی بن حسین ، و از اصحاب رضا (علیه السلام) بودند و در زمان خود ، داناتر از هر کس بفقہ ، و آثار ، و مناقب . و علوم شیعه ، بشمار میرفتند . این دو نفر پسران سعید بن حماد بن سعیدند که با ابوجعفر بن رضا نیز مصاحبت داشتند . و حسین مؤلف این کتابهاست : کتاب التفسیر . کتاب التقیة . کتاب الایمان و الذور . کتاب الوضوء . کتاب الصلوة . کتاب الصیام . کتاب النکاح . کتاب الطلاق . کتاب الاشرية . کتاب الرد علی الغالیة . کتاب الدعاء . کتاب العتق والتدبیر .

#### زیدان

ابن حسن بن سعید . و این کتاب از اوست : کتاب الاحتجاجات .

#### اشعری

ابوجعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری ، از علماء شیعه ، در روایت ، و فقه است . و این کتابها از اوست : کتاب الجامع - مشتمل بر ... باب در فقه و آداب . کتاب النوادر . کتاب ما نزل من القرآن فی الحسین بن علی علیهما السلام . و ابوعلی بن همام اسکافی آن را روایت کرده است .

#### علی بن هاشم

علی بن ابراهیم بن هاشم ، از علما و فقهاء بود ، و این کتابها از اوست : کتاب المناقب .



کتاب اختیار القرآن . کتاب قرب الاسناد .

### جریر ابن عبدالله

این کتابها از اوست : کتاب الزکوة . کتاب الصلوة . کتاب الصيام . کتاب النوادر .

### صفوان بن یحیی

این کتابها از اوست : کتاب الشراء والبيع . کتاب التجارات - غیر از اولی . کتاب المحبة والوظائف . کتاب الفرائض . کتاب الوصایا . کتاب الاداب . کتاب بشارات المؤمن .

### عیسی بن مهران

این کتابها از اوست : کتاب الفرق بین الامة والال . کتاب المحدثین . کتاب السنن المشتركة . کتاب الوفاء . کتاب الكشف . کتاب الفضائل . کتاب الديباج .

### حسن بن محمد بن سماعه

(از اصحاب...) و این کتابها از اوست : کتاب القبلة . کتاب الصلوة . کتاب الصيام .

### ابن بلال

ابوالحسن علی بن بلال بن معاویه بن احمد مهلبی ، و از کتابهای اوست : کتاب الرشده والبيان .

### و از قمییان

ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی قمی این کتابها از اوست : کتاب الطب الكبير . کتاب الطب الصغير . کتاب المكاسب . سعید بن ابراهیم قمی ، و از کتابهای اوست : کتاب تصدیر الدرجات .

ابوجعفر محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی<sup>۱</sup> ، این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی الفقه . کتاب تفسیر القرآن .

### ابن معمر

ابوالحسین .... بن معمر کوفی ، و از کتابهای اوست : کتاب قرب الاسناد .

### ابن فضال

ابوعلی حسن بن علی بن فضال تیملی از<sup>۲</sup> ربیعه بن بکر ، برده تیم الله بن ثعلبه ، و از اصحاب خاص ابوالحسن رضا علیه السلام . و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الابنیا والمبتدا<sup>۳</sup> . کتاب الطب .

### ابن جمهور عمی

نامش محمد بن حسین بن جمهور عمی ، از اصحاب خاص رضا علیه السلام بود و از کتابهای اوست : کتاب الواحده فی الاخبار والمناقب . که آنرا به هشت جزء در آورده است .

### خاندان یقطین<sup>۴</sup>

یقطین از برجستگان دعوات بود ، و چون مروان ویرا خواسته بود ، از او گریخت . و پسرش علی بن یقطین در سال یکصد و بیست و چهار در کوفه بدنیا آمده ، و مادر علی او را با برادرش عبیدالله بن یقطین برداشته و بمدینه فرار کرد ، و همینکه دولت هاشمیان سرکار آمد ، یقطین آشکار گردید ، و مادر علی برگشته و علی و عبیدالله را با خود برگردانید . یقطین ملازم خدمت ابوالعباس ، و ابوجعفر منصور بود ولی هواداری از خاندان ابوطالب

۱- نام این شخص در متن عربی پائین تر آمده و چون قمی است ما او را در ردیف قمیان گذاشتیم .

۲- ف (بن) ش (من) . ۳- ف (الابتداء والمبتداء) .

۴- در متن عربی خاندان یقطین را در پایان این فن آورده باضافه این جمله ( یلحق بموضعه فی الاول) و بعقیده ما نظر مؤلف این بوده که جای ذکر این خاندان پیش از ذکر محمد بن عیسی است که یکی از افراد متأخر این خاندان است و بهمین لحاظ ما در ترجمه آنرا پیش از محمد بن عیسی گذاشتیم .

بامامت آنان داشت ، و فرزندانش نیز همین رویه و عقیده را داشته ، و هدایا و اموال فراوانی برای جعفر محمد بن علی ارسال می‌داشت ، و برای اینکارش نزد منصور ، و مهدی از وی نمائی و سعایتها شد، که خداوند شرآنان را از وی دور داشت . و در سال یکصد و هشتاد و دو ، علی بن یقطین در مدینه السلام<sup>۱</sup> ، در پنجاه و هفت سالگی ، وفات یافته ، و ولیعهد محمد بن رشید بر او نماز گذارد، و پدرش پنج سال پس از وی - در سال یکصد و هشتاد و هشت در گذشت . علی بن یقطین این تألیفات را داشت : کتاب مسائل عنه الصادق من امور الملاحم . کتاب مناظرته للشاک بحضرة جعفر .

### محمد بن عیسی

ابن عبید بن یقطین ، از مردم بغداد ، و از اصحاب علی بن محمد ، و حسن بن علی علیهم السلام ، است و از کتابهای اوست کتاب الامل و الرجاء . و ابوعلی همام گوید : آنچه در این کتاب است ، از محمد بن جمهور عمی بوده ، و پسرش حسن بن محمد بن جمهور بمن گفت که آنها از پدرم میباشد، و گفت در این کتاب چیزهایی از فضائل و منزلت آنان ذکر شده که شیعیان آرزومند آن بوده و همانند کتاب البشارات میباشد .

### اسماعیل بن مهران

برادر عیسی بن مهران ، و از کتابهای اوست : کتاب الملاحم .

### ابوالقاسم

عبدالله بن احمد بن عامر بن سلیمان طائی، و از کتابهای اوست: کتاب القضاء والاحکام.

### آدمی رازی

ابوسعید سهل بن زیاد رازی ، از اصحاب ابومحمد حسن بن علی علیه السلام ، و از کتابهای اوست .....



### ثقفی

ابواسحاق ابراهیم بن محمد اصفهانی ، از موثقان علماء صاحب تصنیف اوست ، و از کتابهای اوست : کتاب اخبار الحسن بن علی علیه السلام .

### موسی بن سعدان

از کتابهای اوست : کتاب الطوائف .

### ابوجعفر

محمد بن حسین صائغ از شیعیان امامیه ، و از کتابهای اوست : کتاب التبشیر .

### بندار

ابن محمد بن عبدالله فقیه ، از برجستگان امامیه ، و این کتابها از اوست : کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب الصیام . کتاب الحج . کتاب الزکاة - و کتابهایی نیز بترتیب اصول داشته ، و جز آنها این تألیفات نیز از اوست : کتاب الامامة من جهة الخبر . کتاب المتعة . کتاب العمرة .

فقهاء محدثان و اصحاب حدیث

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن ششم = از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار فقها و اصحاب حدیث

اخبار سفیان ثوری

سلیمان بن سعید بن مسروق ثوری ، از فرزندان ثور بن عبد مناة بن اد بن طابخة بن الیاس بن مضر بن معد بن عدنان . و گفته‌اند در بنی ثور سی نفر بودند که هیچ‌یک از آنان کمتر از ربیع بن خیثم نبود . و همه در کوفه زندگانی میکردند و در بصره حتی یکی از ایشان دیده نمیشد .

سفیان ثوری درحالیکه از دولتیان پنهان شده بود ، در بصره وفات یافته ، و در شب همان روز بخاک سپرده شد ، و این واقعه در سال یکصدوشصت و یک بود . و سفیان در آنوقت شصت و چهار سال داشت . زیرا در سال نودوهفت بدنیآ آمده بود . و بوصیت او عمار بن یوسف

کتابهایش را پاک کرده و بسوزانید ، سفیان بازمانده نداشت و یگانه پسر وی پیش از مرگش وفات یافته . از این جهت وصیت کرد که دارائی و اموالش را بخواهرش و فرزندان او دهند . و سعید بن مبارک را از ارت محروم داشت . این کتابها از اوست : کتاب الجامع . الکبیر - بیکره حدیث و گروهی ، چون یزید بن ابوحکیم ، و عبدالله بن ولید عدنی ، و ابراهیم بن خالد صنعانی ، و عبدالملک جدی - و از مردم غیر از یمن - حسین بن حفص اصفهانی ، معاف بن عمران موصلی . عبدالعزیز بن ابان ، عبدالصمد بن حسان ، زید بن ابو زرقاء ، قاسم بن یزید جرمی ، آنرا از وی روایت کرده اند . کتاب الفرائض . کتاب رساله الی عبادالارسونی . کتاب رساله ...

### ابو عبدالرحمن

محمد بن عبدالرحمن بن مغیره بن ابو ذیب ، از بنی عامر بن لوی ، و از فقها و محدثانی است ، که متصدی قضاوت بود . وفاتش در سال یکصد و پنجاه و نه ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن - مشتمل بر تمام کتابهای فقه ، از صلوة ، طهارت ، صیام ، زکوة ، و مناسک ، و غیره .

### عبدالرحمن

ابن زید بن اسلم ، برده عمر بن خطاب ، که در آغاز خلافت هارون الرشید در گذشت . این کتابها از اوست : کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب التفسیر .

### عبدالرحمن

ابن ابوزناد ، و نام ابوزناد ، عبدالله بن ذکوان بود ، و ابوزناد از فقهاء و محدثان است که در سال یکصد و هفتاد و چهار در بغداد وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب الفرائض . کتاب رأی الفقهاء الشیعة من اهل المدینة و ما اختلفوا فيه .

### عبدالملک

ابن محمد بن ابوبکر بن عمرو بن حزم انصاری ، از قاضیان هارون بود ، و در سال یکصد و هفتاد و شش در بغداد وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب المغازی .



### عبدالمك

ابن عبدالعزیز بن جریح، بردهٔ خاندان اسید بن ابوالعیص بن امیه، کنیه اش ابوالولید و در سال یکصد و پنجاه وفات. و این کتابها از اوست: کتاب السنن - مشتمل بر کتابهایی که در سائر کتابهای سنن است، مانند طهارت، صیام، صلوة، زکوة - و جز اینها.

### سفيان بن عيينه هلالی

برده . . . که در سال یکصد و نود و هشت وفات یافت، و فقیه بسیار خوبی بود، کتابی از وی دیده نشد، فقط از وی چیزهایی شنیده شده، و تفسیرش معروف است.

### مغيرة بن مقسم ضبی

بردهٔ ضبیان، مکنی بابوهشام، در سال یکصد و سی و شش وفات یافته، و از کتابهای اوست: کتاب الفرائض.

### زائدة

ابن قدامه ثقفی، از ثقفیان، و کنیه اش ابوصلت است، و در جنگ حسن بن عطیه با رومیان در سال شصت و یک، یا شصت، در روم وفات یافت. و این کتابها از اوست: کتاب السنن - مشتمل بر کتابهایی است که در کتاب سنن آورده میشود.

### محمد بن فضیل

ابن غزوان ضبی، بردهٔ ضبیان، مکنی بابوعبدالرحمن، که در سال یکصد و نود و پنج وفات یافته، و این کتابها از اوست: کتاب الطهاره، کتاب الصلوة، کتاب المناسک، کتاب الزکوة بهمین ترتیب تمام کتابهای فقهی تا باخر، بهمانگونه که در کتابهای سنن میباشد، و نیز کتاب التفسیر، کتاب الزهد، کتاب الصیام، کتاب الدعاء.

### یحیی بن زکریا

ابن زائده ، مکنی بابوسعید ، در سال یکصد و سی و سه در مدائن<sup>۱</sup> وفات یافته ، و قاضی آنجا بود . از کتابهای اوست : کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

### وکیع

ابن جراح بن ملیح رؤاسی از بنی عامر بن صعصعه ، مکنی بابوسفیان ، که در محرم سال یکصد و نود و هفت ، هنگام مراجعت از حج ، در فید<sup>۲</sup> وفات یافت ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

### ابو نعیم

فضل بن رکیب<sup>۳</sup> ، برده طلحه بن عبیدالله تیمی : وفاتش در سال دویست و نوزده ، و این کتابها از اوست : کتاب المناسک . کتاب المسائل فی الفقه .

### یحیی بن آدم

کنیه اش ابوزکریا ، برده خاندان عقبه بن ابومعیط ، و در سال دویست و سه در قم<sup>۴</sup> وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب الفرائض - بزرگت . کتاب الخراج . کتاب الزوال .

### ابن ابو عروبه

نامش سعید ، و نام ابو عروبه مهران ، و کنیه اش ابونصر است ، وفاتش در سال یکصد و پنجاه و هفت بوده ، و از کتابهای اوست . کتاب السنن - مانند سائر کتابهای سنن .

### اسماعیل بن علیه

و علیه مادرش بود ، پدرش ابراهیم ، برده بنی اسد ، و مکنی بابو بشر است . ولادتش در سال یکصد و شانزده ، و وفاتش ، در ذیقعده سال یکصد و نود و سه در بغداد بود ، و

۱- مدائن شهر است در ۲۶ کیلومتری جنوب شرقی بغداد که سابقاً بآن تیسفون میگفتند و محل قشلاقی پادشاهان ایران بود (ر.ک. قاموس الاعلام ترکی) .  
 ۲- فید - نام جائی است در راه مکه (معجم البلدان) .  
 ۳- ف (دکین) .  
 ۴- ر.ک. بصفحه ۵۵ این کتاب .

هشتاد و سه سال و چند ماه زندگانی کرد .

این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب المناسك .

### ابراهیم بن اسماعیل

کنیه اش ابو اسحاق ، ولادتش در سال یکصد و پنجاه و دو ، وفاتش در سال دویست و هجده ، و از کتابهای اوست : کتاب ....

### روح بن عباده قیسی

مکنی با بومحمد... وفاتش بعد از سال دویست بود، و از کتابهای اوست : کتاب السنن .

### مکحول شامی

برده زنی از هذیل بود . و در سال یکصد و شانزده وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه ، کتاب المسائل فی الفقه .

### اوزاعی

عبدالرحمن بن عمر ، و پدر عمر ، از قبیله اوزاع بود . اوزاعی در سال یکصد و پنجاه و نه وفات یافت، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المسائل فی الفقه .

### ولید بن مسلم

مکنی با بوالعباس ، برده قریش ، و در سال یکصد و نود چهار هنگام برگشتن از حج وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المغازی .

### عبدالرزاق

ابن همام بن نافع صنعانی ، مکنی با بوبکر ، برده حمیر . در سال دویست و یازده وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المغازی .

### هشیم

ابن بشیر سلمی ، مکنی با بومعاویه ، برده بنی سلیم . در سال یکصد و هشتاد و سه در بغداد



وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب القراآت .

### یزید بن هارون

بردهٔ بنی سلیم ، و کنیه اش ابو خالد در سال دویست در واسط<sup>۱</sup> وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب الفرائض .

### اسحاق ازرق

ابن یوسف ، کنیه اش ابو محمد . در سال یکصد و نود و پنج در واسط<sup>۲</sup> وفات یافت . و این کتابها از اوست : کتاب المناسک . کتاب الصلوة . کتاب القراآت .

### عبد الوهاب

ابن عطاءعجلی خفاف مکنی بابونصر ، از مردم بصره است که بعد از سال دویست در بغداد وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب الناسخ والمنسوخ .

### ابراهیم بن طهمان هروی

این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المناقب . کتاب العیدین . کتاب التفسیر .

### حسن بن واقد هروزی

این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الوجوه فی القرآن . کتاب ...

### عبدالله بن مبارک

مکنی بابو عبدالرحمن ، که در سال یکصد و هشتاد و یک ، هنگام بر گشتن از جنگ با دشمنان دین ، در هیت<sup>۳</sup> وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب التاریخ . کتاب الزهد . کتاب البر والصلة .

۲۰۱- ر.ک. بصفحة ۲۴۱ این کتاب .

۳- هیت شهریست بر فرات ، در نزدیکیهای بغداد و بالای انبار (معجم البلدان) .

### فیریابی بزرگ

مصاحب سفیان ، از مردم قیساریه<sup>۱</sup> نامش ابو عبدالله محمد بن یوسف بن واقد فیریابی ، یکی از کوفیان است که در سال ... وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الطهاره . کتاب الصلوة . کتاب الصیام . کتاب الزکاة . کتاب المناسک . و بهمین ترتیب تا آخر تمام کتابهای فقهی .

### عبدالله بن محمد

ابن ابوشیبه ، از محدثان صاحب تصنیف است . و در سال دویست و سی و پنج وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب التاریخ . کتاب الفتن . کتاب صفین . کتاب الجمل . کتاب الفتوح . کتاب المسند فی الحدیث .

### عثمان بن ابوشیبه

از محدثان صاحب تصنیف است ، و در سال دویست و سی و هفت وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب التفسیر . کتاب العین . کتاب المسند .

### محمد بن عثمان

ابن ابوشیبه ، وفاتش در سال دویست و نود و هفت ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

### احمد بن حنبل

ابو عبدالله احمد بن حنبل ، و این کتابها از اوست : کتاب العلل . کتاب التفسیر . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب الزهد . کتاب المسائل . کتاب الفضائل . کتاب الفرائض . کتاب المناسک . کتاب الایمان . کتاب الاشریة . کتاب طاعة الرسول . کتاب الرد علی الجهمیة . کتاب المسند - مشتمل بر چهل هزار و اندی حدیث .

۱- قیساریه نام دو محل است یکی در فلسطین و یکی در آسیای صغری - اناطولی - (ر.ک. معجم البلدان) .

احمد بن حنبل پسری بنام عبدالله داشت ، که مرد موثق بوده ، و حدیث را از وی سماع دارند . و پسری بنام صالح بن احمد داشت . که پسرش زهیر بن صالح بود و در سال سیصد و سه وفات یافت<sup>۱</sup> .

### اثرم

از اصحاب احمد بن حنبل ، نامش احمد بن محمد بن هانی ، مکنی بابوبکر ، از مردم اسکاف<sup>۲</sup> بنی جنید است و در ... وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه بر اساس مذهب احمد و شواهد او از حدیث . کتاب التاریخ . کتاب العلل . کتاب الناسخ والمنسوخ فی الحدیث .

### مروزی

احمد بن محمد بن حجاج ، از پیروان مذهب احمد بن حنبل ، وفاتش در ..... و از کتابهای اوست : کتاب السنن بشواهد الحدیث .

### اسحاق بن راهویه

و نام راهویه ، ابراهیم بن . . . مروزی است . وی از بزرگان اصحاب احمد بن حنبل بود . و در ... وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب المسند . کتاب التفسیر .

### ابو خيثمه و فرزندانش

ابو خيثمه زهیر بن حرب ، در سال دویست و سی و چهار در گذشت ، و این کتابها از اوست : کتاب المسند . کتاب العلم .

۱- وفات خود امام احمد حنبل در سال ۲۴۱ است ، و قبرش در مقبره باب حرب غربی بغداد ، بالای مقابر قریش - کاظمیه ، قرار دارد (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۳۲۸) .  
 ۲- اسکاف - علیا و سفلی از نواحی نهر وان ، میان بغداد و واسط بوده و اسکاف علیا معروف با اسکاف بنی جنید است . (ر.ک. معجم البلدان) .

### پسر ابوخیثمه

ابوبکر احمد بن زهیر بن حرب ، از محدثان اخباری ، و فقیه بود . وفاتش در سال دویست و هفتاد و نه ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب المنتمین . کتاب الاعراب . کتاب اخبار الشعراء .

### پسر ابوبکر

ابو عبدالله محمد بن احمد بن زهیر بن حرب ، همپایه پدر بود ، و در ... وفات یافته ، و این کتابها از اوست : کتاب الزکوة و ابواب الاموال بعلله من الحدیث . کتاب التاریخ که بدست نیامده و یا با تمام نرسانید .

### بخاری

ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن مغیره بخاری . از علماء محدثان مورد اعتماد ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ الکبیر . کتاب التاریخ الصغیر . کتاب الاسماء والکنی . کتاب الضعفاء . کتاب الصحیح . کتاب السنن فی الفقه . کتاب الادب . کتاب التاریخ الاوسط . کتاب خلق افعال العباد . کتاب القرائة خلف الامام .

### معمری

نامش حسن بن علی بن شیب ، از محدثان فقهاء ، و از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

### ابوعروبه

نامش حسین بن مودود حرانی است و حدیث مشایخ را تصنیف میکرد ، و جز آن کتابی ندارد .

### مسلم بن حجاج

ابوالحسین قشیری نیشابوری ، از محدثان ، و علماء حدیث و فقه است ، و این کتابها



از اوست : کتاب الصحيح . کتاب الاسماء و الکنی . کتاب الاوحاد . کتاب المفرد . کتاب التاريخ . کتاب الطبقات .

### علی بن مدینی

#### و جایش پیش از این موضع است

بن عبدالله بن جعفر مدینی ، از محدثان و عالم بحدیث ، که در سرمری<sup>۱</sup> روز دوشنبه سه روز بآخر ذیقعدہ سال دویست و پنجاه و هشت . در سن هفتاد و دو سالگی ، وفات یافته و این کتابها از اوست : کتاب المسند بعلله . کتاب المدلسین . کتاب الضعفاء . کتاب العلل . کتاب الاسماء و الکنی . کتاب الاشریة . کتاب التنزیل .

### یحیی بن معین

در سال دویست و سی و سه وفات یافته ، و از کتابهای اوست : کتاب التاريخ - و آنرا اصحابش تألیف نموده اند و تألیف او نیست .

### سریح بن یونس

ابوحارث مروزی ، از زمره محدثان مورد اعتماد ، و فقها ، و قاریان است . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب الناسخ و المنسوخ . کتاب القراءات . کتاب السنن فی الفقه .

### حفص ضریر

ابوعمر حفص بن عمر ، از بصریانی ، و بزرگان محدثان است . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب احکام القرآن . کتاب السنن فی الفقه .

### فضل بن شاذان

#### و پسرش عباس بن فضل

فضل ، هم از شیعیان ، و هم از سنیان بشمار میرفت . شیعیان ویرا از خود میدانستند ،

۱- سرمری همان سامراست (ر.ک. بصفحه ۲۵ این کتاب) .

۲- ف (سریح) .

وما نیز ویرا در اخبار شیعیان ذکر نمودیم. و حشویه<sup>۱</sup> ویرا از خود دانند. و در باره حشویه این تألیفات را دارد: - کتاب التفسیر. کتاب القراءات. کتاب السنن فی الفقه. پسرش عباس بن فضل این تألیفات را داشت....

### ابراهیم حربی

ابو اسحاق ابراهیم بن اسحاق بن ابراهیم بن بشیر بن عبدالله، از بزرگان محدثان است که معرفت بحديث داشت، و عالم، و پارسا، و عارف بلند بود. او و عبدالله بن ديسم مروزی، از حافظان قرآن بودند. ابراهیم در سال دوست و هشتاد و پنج وفات یافت، و این کتابها از اوست: کتاب غریب الحدیث - از این کتاب اینها انتشار یافت: مسند ابوبکر، مسند عمر، مسند عثمان، مسند علی، مسند زبیر، مسند طلحه، مسند سعد بن ابوقاص، مسند عبدالرحمن بن عوف، مسند عباس، مسند شیبۀ بن عثمان، مسند عبدالله بن جعفر، مسند مسور بن مخرمه زهری، مسند مطلب بن ربیعہ، مسند سائب مخزومی، مسند خالد بن ولید، مسند ابو عبیدة بن جراح، مسند معاویه و دیگران، مسند عمرو بن عاص، مسند عبدالله بن عباس، مسند عبدالله بن عمر خطاب، مسند موالی.

و این آخرین قسمت آن کتاب است، و پس از آن، این کتابها نیز از اوست: - کتاب الادب، کتاب المغازی، کتاب التیمم.

### مطین بن ایوب<sup>۲</sup>

ابو جعفر محمد بن عبدالله بن سلیمان حضرمی، از محدثان مورد اعتماد است. و ولادتش در... و وفاتش در سال دوست و نود و هشت، و این کتابها از اوست: - کتاب السنن فی الفقه، کتاب التفسیر، کتاب المسند، کتاب تفسیر المسند، کتاب الادب.

### فیریایی کوچک

ابو بکر جعفر بن محمد بن حسن فیریایی، از مشایخ دنیا فرا گرفته بود، چون بهمه جا

۱- شهرستانی در ملل و نحل ص ۱۱۷ گوید: - حشویه نامی است که اشعریان بگروه جبریان داده اند، و خیرالدین زرگلی در اعلام ج ۶- ص ۲۵۲ در شرح حال ابن ندیم - از ابن حجر نقل کرده، که او - ابن ندیم - سنیان را حشویه، و اشعریان را مجبره مینامید. و در لغت، نام گروهی است که ظواهر را گرفته، و تمایلی بتجسم و غیره دارند (اقرب الموارد).

۲- ش- روی (ابن ایوب خط کشیده).

رفت ، و در آخرین روز سال سید وفات یافت . و از کتابهای اوست : کتاب السنن مشتمل بر کتابهای زیادی در حدود پنجاه کتاب .

### شبيب عصفري

نامش خلیفه بن خباط<sup>۱</sup> از مردم بصره ، و این کتابها از اوست : کتاب الطبقات . کتاب التاريخ . کتاب طبقات القراء . کتاب تاریخ الزمنی والعرجان والمرضى والعميان . کتاب اجزاء القرآن و اعشاره و اسباعه و آیاته .

### کچی

نامش ابومسلم ، و پدرش از .... بصره آمد ، و خانه از کج و آجر ساخت . و به کار گران میگفت ، کج-کج . یعنی کج بکار ببرید ، و این گفته بر او مانده ، و کچی نامیده شد . ابومسلم از بزرگان محدثان با بهترین اسنادها بود . و لادتش در . . . و این کتابها از اوست : کتاب السنن . کتاب المسند .

### ابن ابو داود سجستانی

نامش سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد ، و شداد ، ابوبکر . . . بن سلیمان بن ابوداود<sup>۲</sup> است . این ابوداود ، از بزرگان محدثان ، و فقهاء مورد اعتماد بود . و لادتش در سال . . . و وفاتش در سال سید و شانزده ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر ، و این کتاب را وقتی تألیف کرد ، که ابوجعفر طبری کتاب خود را تألیف نمود . و بزرگترین کتاب ابن ابوداود ، در حدیث است . کتاب المصابیح فی الحدیث . کتاب المصاحف . کتاب نظم القرآن . کتاب فضائل القرآن . کتاب شریعة التفسیر . کتاب شریعة المقاری . کتاب الناسخ والمنسوخ . کتاب البعث والنشور .

### ابوعبدالله

محمد بن مخلد بن حفص عطار ، از محدثان مورد اعتماد است . و در سال دو بیست و سی و سه دنیا آمده ، و در سال سید و سی و یک وفات یافت . این کتابها از اوست : کتاب السنن فی الفقه . کتاب الاداب . کتاب المسند - بزرگ است .



### محاملی

قاضی ابو عبدالله حسین بن اسماعیل بن محمد ضبی ، از موثقان است ، و در سال دویست و سی و پنج بدنیا آمده ، و هشت روز با آخر ربیع الثانی سال سیصد و سی وفات یافت ، و این خبر را در کوی و برزن بغداد جار زدند . و بر روی زمین محدثی بآن اسناد و راستی و درستی و پرهیزکاری دیده نشد . از کتابهای اوست : کتاب السنن فی الفقه .

### جعفر دقاق

از حافظان حدیث ، و بعد از محاملی ، در راستی و درستی و پرهیزکاری ، یگانه بود و فاتهش در سال سیصد و سی و از کتابهای اوست ....

### ابن صاعد

ابو محمد یحیی بن محمد بن صاعد ، برده منصور ، ولادتش در ... و در سال سیصد و هیجده وفات یافت ، و این کتابها از اوست : کتاب السنن . کتاب المسند . کتاب القراءات .

### بغوی

ابو القاسم عبدالله بن محمد بن عبدالعزیز بغوی ، معروف با بن بنت منیع ، در سال دویست و چهارده بدنیا آمده ، و در سال سیصد و هفده درگذشت ، و این کتابها از اوست : کتاب المعجم الکبیر . کتاب المعجم الصغیر . کتاب المسند . کتاب المسند علی مذاهب الفقهاء .

### ترمذی

نامش محمد بن عیسی بن سوره ، و این کتابها از اوست : کتاب التاریخ . کتاب الصحیح . کتاب العلل .

### ابن ابوثلیج

ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن ابوثلیج کاتب . هم از شیعیان ، و هم از سنیان بشمار میرفت ، و شیعه بودنش بیشتر نمود داشت ، و از سنیان روایات زیادی نموده ، و در این معنا تصنیفاتی هم دارد ، و از مردمان متدین ، و با فضل و پارسائی بود ، و پیش از این ما ذکر کردیم از او نموده ایم ، این کتابها از اوست : کتاب السنن والاداب علی مذهب العامة . کتاب (الفضائل) فضائل الصحابة . کتاب الاختیار من الاساتید .



طبری و اصحاب او  
و شراة و فقهاء آنان

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن هفتم = از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

طبری و اصحابش

محمد بن اسحاق ندیم گوید: بگفته ابو الفرج معاف بن زکریاء نهروانی، وی ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد طبری آملی است که علامه با عمل، و امام آن عصر و دوران، و فقیه زمان خود بود. ولادتش در سال دو یست و بیست و چهار در آمل<sup>۱</sup>، و در سال سیصد و ده بسن هشتاد و هفت سالگی وفات یافت. حدیث را از مشایخ با فضل مانند محمد بن حمید رازی، و ابو جریر، و ابو کسریب، و هناد بن سری، و عباد بن یعقوب، و عبیدالله بن اسماعیل بن موسی، و عمران بن موسی قزاز، و بشر بن معاذ، فرا گرفته، و بر داود فقه را قرائت داشته، و فقه شافعی را در مصر از ربیع بن سلیمان، و در بغداد، از حسن بن محمد زعفرانی؛ و فقه مالک را، از یونس بن عبدالاعلی، و بنی عبدالحکم محمد، و عبدالرحمن،

۱- آمل، از شهرهای بزرگ طبرستان - مازندران - است (ر.ک. لغتنامه دهخدا).

وسعد ، و پسر برادر وهب ، و فقه عراقیان را ، از ابو مقاتل در ری آموخت . و استادان بزرگوارى را در مصر ، و شام ، و عراق ، و کوفه ، و بصره ، و ری ، دیده ، و در تمام علوم ، علم قرآن ، و نحو ، و شعر ، و لغت و فقه ، متفنن بوده ، و محفوظات بسیاری داشت .

ابواسحاق بن محمد بن اسحاق بمن گفت : شخص موثقى برايم نقل کرد : ابوجعفر طبرى را در مصر دیده بود که بروى شعر طرمح ، یا حطیئه را - این تردید از من است - میخواندند . و من بخط او کتابهای زیادى در لغت ، و نحو ، و شعر ، و قبائل دیده ام . در فقه مذهب و رویه مخصوص بخود داشت . و کتابهای در آن تألیف کرد ، و از آن جمله : کتاب اللطیف است که مشتمل بر چندین کتاب ، بپیکره کتابهای فقهاء در مبسوط بود و شماره آن ..... کتاب البسيط فى الفقه ، که با تمام نرسانده ، و از آن کتابها اینها در دست مردم است : کتاب الشروط الكبير . کتاب المحاضر والسجلات . کتاب الوصايا . کتاب ادب القاضى . کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب الزکاة . کتاب اللطیف فى الفقه - مشتمل بر ... کتاب التاريخ - که قطعان<sup>۱</sup> بر آن فزوده شده . و آخرین املائی که در آن دارد ، تا سال سیصد و دو بوده ، و بهمین جا قطع شده است .

گروهی این کتاب را مختصر نموده ، و مستندات آنرا حذف کرده اند ، از جمله ، مردیست معروف بمحمد بن سلیمان هاشمی ، و يك نویسنده دیگری که به ... معروف میباشد . و از مردم موصل ، ابوالحسن<sup>۲</sup> شمشاطی معلم ، و مردی که معروف بسلیل بن احمد است . و گروه دیگر از همانجائیکه مانده ، تا این زمان ما چیزهایی بر آن افزوده اند که قابل استناد نیست ، زیرا کسانی نیستند که از دولتیان مطلع ، و یا از دانشمندان باشند .

کتاب التفسیر - بهتر از آن تألیف نشده ، و گروهی آنرا مختصر نموده اند ، مانند ابوبکر بن اخشید و دیگران . کتاب القراآت . کتاب الخفیف فى الفقه . نازکست . کتاب المسترشد ، کتاب تهذیب الاثار - پیاپی نرساند ، و آنچه از آن بدست آمده و من یاد دارم ... کتاب اختلاف الفقهاء - و از این کتاب هم آنچه بدست آمده ....

۱ - قطعان قبیله ای از قبایل عرب است (منتهی الارب) .

۲ - ف (ابوالحسین) .

## فقیهان بمذهب او

### که از اصحابش بودند

علی بن عبدالعزیز بن محمد دولابی<sup>۱</sup>. و این کتابها از اوست: کتاب الرد علی ابن المناس. کتاب فی بسم الله الرحمن الرحیم. کتاب القراءات. کتاب اصول الکلام. کتاب افعال النبی صلعم. کتاب التبصیر. رسالته الی نصر القشوری. رسالته الی علی بن عیسی. رسالته الی بربر الحرمی<sup>۲</sup>. کتاب المسئلة فی اقتراض الاماء. کتاب الاصول الاکبر - نایاب. کتاب الاصول الاصغر. کتاب الاصول الاوسط. کتاب عبارة الرؤیا. کتاب اثبات الرسالة. کتاب رساله کذبما. و در این معنا در ادب النفوس خبری روایت شده، که فاطمه و علی علیهما السلام، از خدمتکاران خود نزد پیغمبر علیه السلام شکایت کرده اند، و پیغمبر گفت: دروغ میگوئید<sup>۳</sup>. و نیز از اصحاب او که فقیه در مذهبش بود، ابوبکر محمد بن ابوثلح کاتب است، که این کتابها از اوست .....

و از اصحاب او: ابوالقاسم... مراد است که این کتاب از اوست: کتاب الاستقصاء فی الفقه. و رساله های کمی نیز دارد. از جمله ....

و از اصحاب او: ابوالحسن احمد بن یحیی بن علی بن ابومنصور منجم، از متکلمان است، که پیش از این گفته شده، و این کتابها از اوست: کتاب المدخل الی مذهب الطبری و نصره مذهبه. کتاب الاجماع فی الفقه علی مذهب ابی جعفر.

و نیز از فقهاء مذهب او، ابوالحسن دقیقی حلوانی طبری است، و این کتابها از اوست: کتاب الشروط. کتاب الرد علی المخالفین.

و از اصحاب او، ابوالحسین بن یونس است. که نامش... و از متکلمان بوده، و در کلام کتابهایی داشته، و در فقه نیز این کتاب از اوست: کتاب الاجماع.

و از اصحاب او، ابوبکر بن کامل است، که نامش در مقاله اول آمده، و بر مذهب طبری

۱ - دولاب نام دو محل است یکی در شرق بغداد، و یکی از دهات ری است

( معجم البلدان). ۲ - ف ( الحزمی ).

۳ - ش. در حاشیه دارد ( مقابله با دستور مصنف گردید و صحیح است. وله الحمد )



این تألیفات را دارد: - کتاب جامع الفقه، کتاب الحیض، کتاب الشروط، کتاب الوقف،  
و همچنین، ابواسحاق ابراهیم بن حبیب سقطی طبری، که از مردم بصره بود و تاریخی  
بدنباله کتاب ابوجعفر نوشته، و متضمن مقدار زیادی از سرگذشت ابوجعفر و اصحابش بوده،  
و این کتابها از اوست: کتاب الرساله، کتاب جامع الفقه،  
و از اصحاب او مردیست معروف باین اذنونی، نامش... و از کتابهای اوست...  
و مردیست معروف باین حداد، نامش... و از کتابهای اوست...  
ابوالفرج معافا گوید: ابو مسلم گچی در فقه بابو جعفر طبری تمایل داشته، و در  
سن ابوجعفر بود.

## معافا نهروانی قاضی

### در زمان ما

ابوالفرج معافا بن زکریا، از مردم نهروان<sup>۱</sup>، در مذهب ابوجعفر یگانه عصر خود  
بوده، و تمام کتابهای او را از حفظ دارد. و باین وصف، در بسیاری از علوم... متفنن  
و آزموده و در آنها انگشت نما بوده. و بسیار باهوش و ذکاوت و خوش حافظه، و سریع الجواب  
است. و ولادتش در سال...<sup>۲</sup> و در فقه و جزآن، تا این زمان، بطوریکه بیاد دارم، این  
تألیفات را دارد: کتاب النحریر و المنقر<sup>۳</sup> فی اصول الفقه، کتاب الحدود و العقود فی اصول الفقه،  
کتاب المرشد فی الفقه، کتاب شرح کتاب المرشد فی الفقه، کتاب المحاضر و السجلات، کتاب  
شرح کتاب الخفیف للطبری، کتاب الشافی فی مسح الرجلین، کتاب الشروط، کتاب اجوبة الجامع  
الکبیر لمحمد بن الحسن، (کتاب اجوبة المزنی علی مذهب الطبری)، کتاب الرد علی الکرخی  
فی مسائل، کتاب الرد علی ابی یحیی البلخی فی اقتراض الاماء، کتاب الرد علی داود بن علی.

۱- نهروان دهستان بزرگی میان بغداد و واسط است (معجم البلدان).

۲- ف (وله... سنة) ش (ولد سنة).

۳- ش (النحریر والنقر).



کتاب رسالته الی العنبر القاضی فی مسئله ( فی ) الوصایا . کتاب فی تأویل القرآن . کتاب الرسالة فی واو عمرو . کتاب القراآت . کتاب المجاوره فی العربیه . کتاب شرح کتاب الحرمی<sup>۱</sup> . کتاب رساله عمر . و خود او بمن گفت ، که پنجاه و اندی رساله در فقه، و کلام، و نحو، و جزاینها دارد<sup>۲</sup> .

---

۱- ف ( الحزمی )

۲- ش- در حاشیه دارد ( و از بهترین کتابهای او، که مصنف بیاد نیاورده - کتاب الجلیس والانیس است که مشتمل بر فضائل بسیار، و اخباری نیکو، و چیزهای سودمند دیگر است ) ولی فلوکل این را در متن کتاب آورده است .

(ثقفی بالله وحده)

# بسم الله الرحمن الرحيم

فنی هشتم - از مقاله ششم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

فقهاء شراة<sup>۱</sup>

کتابهای این گروه پنهان بوده ، و کمتر بدست آید، زیرا همه مردم کینه آنان را بدل دارند، و بدنبال آزارشان هستند. و با این وصفه صنفان و صاحبان تألیفی در فقه و کلام داشته‌اند، و این مذهب در جاهائی مانند ، عمان<sup>۲</sup> و سجستان<sup>۳</sup> و شهرهای آذربایجان ، و نواحی سن<sup>۴</sup>

---

۱- شراة- خوارچرا گویند (اقرب الموارد).

۲- عمان دهستانی عربی است در کنار دریای یمن و هند (معجم البلدان) ولی امروزیکی از ممالک عرب بشمار میرود .

۳- رجوع کنید بصفحه ۲۱ همین کتاب .

۴- سن - بکسراول شهر است بردجله بالای تکریت (معجم البلدان).

وبوازیج<sup>۱</sup>، و کرخ جدان<sup>۲</sup>، و تل عکبرا<sup>۳</sup>، و حزه<sup>۴</sup>، و شهرزور<sup>۵</sup> انتشار دارد.

### وا از فقهاء برجسته آنان

#### جبیر بن غالب

مکنی بابو فراس است، که فقیه، و شاعر، و خطیب بود. و این کتابها از اوست: کتاب السنن والاحکام. کتاب احکام القرآن. کتاب المختصر فی الفقه. کتاب الجامع الکبیر فی الفقه. کتاب رسالته الی مالک بن انس.

#### قرطوسی

ابوالفضل، از مردم نواحی (تل) عکبرا<sup>۶</sup> کتابهای زیادی دارد، از جمله: کتاب الجامع الکبیر فی الفقه. مشتمل بر چندین کتاب پییکره کتبهای فقهاء است. کتاب الجامع الصغیر. که تکیه گاه اصحابش میباشد. کتاب الفرائض. کتاب الرد علی ابی حنیفه فی الرأی. کتاب الرد علی الشافعی فی القیاس.

#### ابوبکر بردعی

از همین گروه بوده، و نامش محمد بن عبدالله است. و من در سال سیصد و چهل، او را دیدم، و با من مأنوس و متظاهر بمذهب اعتزال بود، ولی از خوارج و فقهاء آنان بشمار میرفت، و بمن گفت چندین کتاب در فقه دارد که پاره از آنها را چنین نام برده:

- ۱ - بوازیج - شهرست نزدیک تکریت، در دهانه زاب سفلی که بدجله میریزد (معجم البلدان).
- ۲ - کرخه جدان - نزدیک بخانقین است (منتهی الارب).
- ۳ - تل عکبرا - جائیست نزدیک عکبرا که بآن تل عکبرا گویند (معجم البلدان).
- ۴ - حزه - نام سه محل است. یکی جائیست میان نصیبین - و رأس عین - و یکی شهر شهر کوچکی است نزدیک اردبیل - و یکی هم در حجاز است (معجم البلدان).
- ۵ - شهر زور دهستان وسیعی است میان اردبیل و همدان (معجم البلدان).
- ۶ - عکبرا بضم اول - از نواحی دجیل است. و تا بغداد ده فرسنگ فاصله دارد (معجم البلدان).

کتاب المرشد فی الفقه . کتاب الرد علی المخالفین فی الفقه . کتاب تذکره الفریب فی الفقه .  
 کتاب التبصر للمتعلّمین . کتاب الاحتجاج علی المخالفین . کتاب الجامع فی اصول الفقه .  
 کتاب الدعاء . کتاب الناسخ والمنسوخ فی القرآن . کتاب الاذکار والتحکیم . کتاب السنة والجماعة .  
 کتاب الامامة . کتاب نقض کتاب ابن الروندی فی الامامة . کتاب تحریم المسکر . کتاب الرد علی  
 من قال بالمتعة . کتاب الناکثین . کتاب الايمان والندور .

### ابوالقاسم حدیثی

اورا دیدہ ام . مردی بود زاهد ، و متظاهر بخشوع ، مذهبش را آشکار نمی کرد . ولی از  
 بزرگان خوارج و فقہاء آنان بشمار میرفت . این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی الفقه .  
 کتاب احکام الله عزوجل . کتاب الامامة . کتاب الوعد والوعید . کتاب التحریم والتحلیل .  
 کتاب التحکیم فی الله جل اسمہ .



## هفتمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار مصنفان قدماء و متأخران

و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

تألیف

محمد بن اسحاق ندیم معروف بابو الفرج

بن ابویعقوب وراق

حکام‌خط‌المصنف  
عبد محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه  
چستریتی و تقلیدی که از خط  
مصنف کرده است

مقاله فلاسفه - از کتاب الفهرست

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله هفتم - از کتاب الفهرست

مشمول بر :

اخبار فلاسفه و علوم باستانی و کتابهاییکه

در این باره تصنیف کرده اند

در سه فن - فن اول

در اخبار فلاسفه طبیعیین و منطقیین

و نام کتابها ، ترجمه ها ، و شرحهایی که موجود بوده ،

و یا ذکری از آن شده و وجود ندارد ، یا موجود بوده و سپس نایاب شده است

در آغاز این مقاله حکایتهایی را از گفته

علما نقل مینمائیم :

ابوسهل بن نوبخت<sup>۱</sup>، در کتاب النهمطان گوید: علمی گوناگون، و انواع کتابها روبفرونی گذاشت، و از وجوه مسایل و مآخذیکه بدست آمده، و ستارگانهم بر آن دلالت دارد، چنین برمیآمد که حوادثی قبل از ظهور اسباب و موجباتش، و قبل از معرفت مردم بآنها، در شرف وقوع بوده، چنانکه بابلیان<sup>۲</sup> در کتابهای خود آن را بیان داشته. و مصریان از آنان آموخته، و هندیان در شهرهای خود بآن عمل نمودند. و مردم همچون بشر اولی بودند که هنوز دست بگناهی نیالائیده، و بکارهای زشت و پلید آلوده نگشته، و درمنجلا ب نادانی و جهالت نیفتاده بودند. ولی همینکه در آنان و اندیشه و آرزوهایشان کج روی و سرگشتگی راه یافت. بطوریکه رفتار و کردارشان در کتابها ثبت رسیده از بی خودی در در وادی ضلالت و گمراهی حیران و سرگردان گردیده. و دانش و معرفت از خاطرشان زدوده گردید و مدتها روزگار را بهمان احوال و منوال گذراندند. تا آنکه در میان اعقاب و بازماندگان نشان مردمان مؤید و موفقی پدید آمد که ب فکر و اندیشه در گذشته های خود و سنجش و دانستن آن فتاده، و دریافتند که در گذشته نسبت بدنی و شئون آن چه علوم و معارفی بوده، و مردمش در چه احوال و شرائطی زندگانی داشتند، و مواضع افلاک آسمان، و راهها، و درجات<sup>۳</sup>، و دقائق<sup>۴</sup> آن. و منازل علوی و سفلی با مجاری و ناحیه هایش چگونه بوده است. و این امر در دوران پادشاهی جم پسر اونجهان<sup>۵</sup> بود، که دانشمندان بآن پی برده،

۱ - فضل بن ابوسهل از منجمانی بود که در دارالحکمه بکار ترجمه از فارسی به عربی اشتغال داشت. و در سال ۸۱۵ میلادی (۱۹۳ هجری) وفات یافته و از تألیفاتش جز مقدار کمی از کتاب النهمطان فی معرفة طالع الانسان، چیزی بدست نیامد. (اعلام المنجد)

۲ - بابل ناحیه ایست که کوفه و حله در آن بوده، جادو و شراب را بآن نسبت دهند بقولی دماوند. و بگفته ابوالحسن، بابل کوفه است، ابو معشر کلدانیان را اولین سکنه آنجا دانسته، و بعضی گفته اند نوح علیه السلام اولین کسی است که بعد از طوفان در آنجا مقیم گردید و آبادی آنجا بوی نسبت داده اند. (معجم البلدان)

۳ و ۴ - درجات و دقائق که جمع درج و دقیقه است از اصطلاحات منجمان در تحدید طول و عرض جغرافیائی بوده، و درجه گردش یکشنبه روز آفتاب در فلک بمساحت بیست و پنج فرسنگ است. هر درجه بشصت دقیقه، و هر دقیقه بشصت ثانیه و هر ثانیه بشصت ثابسه، بهمین گونه هر چه بالا رود، تقسیم شده است. (معجم البلدان ص ۳۹)

۵ - جم یا جهشید پسر یونجهان، و معرب آن و یونجهان است ( یادداشت های گاتها

تألیف استاد پورداود ص ۴۲۵)

و در کتابها آورده و توصیف نموده ، و در توصیفات خود ، آن دنیا و جلالتش را ، و اسباب اولیه و تأسیساتش را ، و ستارگان ، و گیاهان ، و دواها ، و تعویذاتی را که مردم در راه آرزوهای خود ، از خیر و شربکار میبردند ، توصیف نموده و سالیان درازی را بهمین گونه گذراندند تا پادشاهی بضاک بن کی<sup>۱</sup> .

دیگری جز ابوسهل گفته است : ده آك بمعنی ده آفت است که عرب آن را ضحاك نامید .

بر گردیم بسخنان ابوسهل- کی رسید ، که در حصه مشتری ، و نوبت ، و ولایت ، و قدرتش بر آن دوران بود . و او در زمینهای سواد<sup>۲</sup> شهری بنا کرده ، و نام آن را از نام مشتری در آورده ، و آن را جایگاه علم و علماء قرار داد . و دوازده کاخ بشماره برجهای آسمان در آن برپا نموده ، و هر کاخی را بنام برجی نامید . و برای کتابهای علمی خزینه- هائی در آن بساخت ، و علما را در آن کاخها منزل داد .

دیگری جز ابوسهل گوید : هفت خانه بنام ستارگان هفتگانه بنا کرده ، و هر خانه آنرا بیک نفر اختصاص و خانه عطارد را ویژه هرمس<sup>۳</sup> نمود و خانه مشتری را بتینکلوس ، و خانه مریخ را بطینقروس مخصوص داشت .

بر گردیم بسخنان ابوسهل: و مردم سرسپرده و مطیع آنان شدند ، و شنوائی از ایشان داشته و بدستورشان کارهای خود را روبراه مینمودند ، زیرا آنان را در علم و مال اندیشی بالاتر از خود میدانستند . تا آنکه پیامبری در آن زمان ظهور کرد ، و آنان منکر او

۱- در نسب ضحاك میان نسابان اختلاف است ، بعضی گویند ، اصل او از یمن بوده ، و نسب او: ضحاك بن علوان بن عویج یمنی و خواهرزاده جمشید بود. و نسابان پارسی نسب او را چنین گفته اند : بیوراسف (نام ضحاك) بن امر ونداسف بن دینکان بن و بهرسك بن تازبن نوارك بن سیامك بن میشی بن کیومرث- و شاید از نقطه نظر اینکه سلسله پدران ضحاك بکیومرث میرسیده او را ضحاك پسر کی گفته اند (لغتنامه دهخدا ص ۱۹).

۲- رجوع شود بصفحه ۲۰۴ همین کتاب .

۳- هرمس- یکی از علماء افسانه ایست - و افسانه او از قرن سوم بعد از میلاد در اسکندریه پیدا شد. و در قرن چهارم کمال یافت ، تا آنجا که بسیاری کتب بنام او مشهور گردید. چنانکه ایامیلیخس عدد آن را دوهزار ذکر کرده ، و در کتب فلاسفه و حکما ، سه هرمس آمده ، و هرمس الاول که پیش از طوفان نوح میزیست ، و هرمس الثانی که بعد از طوفان در آغاز بنای بابل زندگی میکرد ، و هرمس الثالث که بعد از طوفان در مصر بسر میبرد و استاد ، اسقلیبوس طبیب افسانه بود. (ر.ك تاریخ علوم عقلی تألیف استاد دکتر صفاح ج ۱ ص ۷۸) .



شده ، و علمشان بآن پایه فرسیده بود که ویرا بدرستی دریابند ، و از این رو ، در میان نشان آشفته‌گی وجدائی و اختلاف در عقیدت پیدا شده ، و هر يك از آن دانشمندان بشهری روی آورد تا در آنجا اقامت نماید ، و پیشوای مردمانش گردد . و در میان آنان دانشمندی بنام هرمس<sup>۱</sup> که از همه خردمندتر ، و عالمتر ، و باهوش‌تر در کارها بود بمصر درآمده و بر مردمش حکومت یافته ، و دست بآبادی و عمران آنجا گشوده ، امور مردم را اصلاح ، و توانائی علمی خود را آشکار ساخت ، و همانجا مانده ، و بیشتر اوقاتش را در بابل میگذرانید . تا زمانیکه اسکندر پادشاه یونانیان برای هجوم بایران از شهریکه رومیان آنرا مقدونیه<sup>۱</sup> نامند بیرون شد ، و او کسی بود که گرفتن فدیة<sup>۲</sup> را که در مملکت فارس و بابل معمول بود ، روا و جایز نمیدانست . و دارا پسر دارا شاه را بقتل رسانید ، و بر قلمرو او استیلا یافته ، مدائن را ویران ، و کاخهاییکه بدست دیوان و سرکشان ساخته شده بود خراب کرده و ساختمانهای گوناگون آنرا که بر سنگها و تخته‌هایش انواع علوم نقش و کنده‌کاری شده بود با خاک یکسان نمود . و با این خرابکاریها ، و آتش سوزیها ، هماهنگی آنرا بهم ریخته و درهم کوبید و از آنچه در دیوانها و خزینه‌های اصطخر<sup>۳</sup> بود رونوشتی برداشته ، و بزبان رومی و قبطی<sup>۴</sup> برگردانید ، و پس از آنکه از نسخه برداریهای مورد نیازش فراغت یافت ، آنچه بخط فارسی که بآن کشتج<sup>۵</sup> میگفتند . در آنجا بود ، بآتش انداخته . خواسته‌های خود را از علم نجوم ، و طب ، و طبائع گرفته ، و با آن کتابها و سائر چیزهایی که از علوم ، و اموال ، و گنجینه‌ها ، و علما بدست آورده بود بمصر روانه داشت . و چیزهایی درهند و چین ماند که پادشاهان ایران در دوران پیامبر خود زردشت<sup>۶</sup> ، و جاماسب حکیم<sup>۷</sup> نسخه برداری نموده ، و بآنجا فرستادند ، زیرا پیامبرشان زردشت و جاماسب . آنان را از کردار و رفتار اسکندر زینهار داده ، و گفته بودند که پیروزی با وی خواهد بود . و او

۱- مقدونیه - Macédoine از ممالک قدیم اروپا و در شمال یونان است (لاروس).  
 ۲- فدیة - چیزیست که کسی برای نجات خود از آذیت و آزاری میدهد (اقرب‌الموارد).  
 ۳- اصطخر- یا اصطخر نام یکی از قدیمترین شهرهای ایران ، و در ۵۳ کیلومتری شرق شیراز است (معجم‌البلدان)

۴- قبط - یا - فقط نام مردم قدیم مصر ، و امروزهم بگروهی از نژاد همانها گویند که بر نصرائیت باقیمانده‌اند (قاموس‌الاعلام ترکی)  
 ۵- رجوع شود بصفحه ۲۳ همین کتاب .  
 ۶- رجوع شود بصفحه ۲۱ همین کتاب .  
 ۷- در سنت زرتشتیان جاماسب از خاندان هوکوه در اوستا برادر فرشوستر بود ، و هردو وزیر کی گشتاسب بودند (لغتنامه دهخدا)

تا آنجا که بتواند از علوم و کتابها ربوده و بشهر خود روانه خواهد کرد ، از این جهت در عراق علم رو باندرا س گذاشته و ازهم پاشیده شد ، و علما باهم اختلاف پیدا کرده ، و از میان رفتند ، و در مردم حالت تعصب و طرفداری پیدا شده ، و هر دسته‌ای برای خود پادشاهی برگزیده ، و بملوك الطوائف شهرت یافت .

ولی مملکت روم که پیش از اسکندر ، در اختلافات ، و جدائی ، و کشمکش بسر میبرد بزیر پرچم يك پادشاه درآمده ، و همه باهم متحد و یکدل و يك زبان شدند ، اما مملکت بابل بهمان بیسر و سامانی و فساد و ناتوانی باقی مانده ، و مردمانش مقهور و مغلوب ، نه قدرت دفاع را از خود داشتند ، و نه میتوانستند ستم دیده را در پناه خود نگاهدارند . تا آنکه اردشیر بن بابک ، از خاندان ساسان بیاداشی رسید . و آن پراکندگیها ، و جدائیها را مبدل به اتحاد و یگانگی نموده ، دشمنان را سرکوب کرده ، و بر شهرها استیلا یافته ، و مردم را بدور خود جمع کرده ، و آن تعصب و دسته بندیها را از میانشان برداشت ، و همینکه زمام کلیه امور را بدست گرفت ، مردمانی را بهند و چین و روم فرستاد تا از تمام کتابهاییکه نزدشان بود نسخه برداری نمایند ، و بجستجوی مقدار کمی هم که در عراق بود برآمده ، و همه آنها را جمع آوری کرده . و از آن پراکندگی درآورده ، و اختلاف و تباینی که در آنها پیدا شده بود برطرف کرد . و پسرش شاپور نیز ، پس از وی ، همین رویه را دنبال نمود تا آنکه تمام آن کتابها بیپارسی و بهمان سورتی در آمد که در زمان هرمس بابلی پادشاه مصر بوده ، و دوریتوس سریانی ، و قیدورس یونانی از شهر آتینی<sup>۱</sup> معروف بشهر دانش ، و بطلمیوس اسکندرانی و فرماسب هندی آن را شرح و بهمان گونه که خودشان آنرا از روی اصل آن کتابها که در بابل بود فرا گرفته بودند ، بمردم آموختند .

و پس از او ، کسری انوشیروان نیز برای علاقه و محبتی که بعلم و دانش داشت ، بجمع و تألیف آن کتابها پرداخته ، و بآن عمل میکرد . و در هر دوره ، و زمانی مردم تجربیاتی تازه ، و علوم نوینی دارند که زائیده گردش ستارگان در برجهای آسمان ، برای اداره زمان ، بامر خداوند متعال میباشد .

گفته‌های ابوسهل باینجا پایان یافت .

اسحاق راهب در تاریخ خود گوید ، بطولوماوس فیلادلفوس ، که از شاهان اسکندریه بود ، در دوران پادشاهی خود ، بجستجوی کتابهای علمی پرداخت ، و این کار را در عهده مردی بنام زمیره گذاشت ، و او گوید که پنجاه و چهار هزار و یکصد و بیست کتاب جمع آوری

۱- ف (التجارب) ش (والتجارب)

۲- همان شهراتنه پایتخت یونان است .



کرده ، و پپادشاه گفت . هنوز هم مقدار زیادی از این نوع کتابها در سند ، و هند ، و جرجان ، و ارمان<sup>۱</sup> ، و بابل ، و موصل ، و نزد رومیان باقی مانده است .

### حکایت دیگر

ابومعشر در کتاب اختلاف الزیجات چنین گوید : پادشاهان ایران با اندازه بنگاهداری علوم و باقیماندن آن بر روی زمین علاقمندی داشتند که برای محفوظ ماندن آنها از گزند و آسیب زمانه ، و آفتهای زمینی و آسمانی ، گنجینه کتابها را از سخت ترین و محکمترین چیزی برگزیدند که تاب مقاومت با هر گونه پیش آمدی را داشته و پایداری و دوامش در مقابل سیر و گردش زمانه زیاد بوده ، و عفونت و پوسیدگی کمتر بآن راهداشت . و آن پوست درخت خدنک<sup>۲</sup> بود که بآن توز گویند . چنانکه هندیان و چینیان ، و مردمان سائر ملل و اقوام در این کار از آنان پیروی نموده ، و حتی برای سختی و محکمی ، و همچنین نرمی و دوامی که داشت کمان تیراندازی را نیز از آن ساختند .

و پس از آنکه بهترین وسیله را برای نگاهداری علوم بدست آوردند ، برای یافتن بهترین جا و محل ، بجستجوی زمینها و شهرستانها برخواستند که بهترین آب و هوا را داشته باشد و عفونتش کمتر ، و از لرزش زمین و فرو ریختگی بدور و در گلش آن چسبندگی باشد که ساختمانها برای همیشه استوار و پایدار بماند . و پس از آنکه همه جای مملکت را کنجکاوی و جستجو نمودند ، در زیر این گنبد کبود شهرستانی را با این صفات ، جز اصفهان نیافتند ، و در آنجا نیز بتمام گوشه و کنارها رفته و بهتر از رستاک جی<sup>۳</sup> جائی ندیدند ، و در این رستاک ، همین محلی را که ، پس از سالیان دراز در آن شهر جی بنا شده ، موافق منظور خود یافتند . و بقیهندژ<sup>۴</sup> که میان شهر جی قرار داشت ، آمده ، و علوم

- ۱- فرهنگ نفیسی ارمان را نام شهری نوشته وقاموس الاعلام ترکی زیر کلمه-ارمنت - چنین دارد در ساحل رود نیل نزدیک خرابهها شهر سیبه قصبه ایست که در زمان بطالسه و رومیان، شهر بزرگ و مشهوری بنام ارهونتلیس بود و در جای دیگر کلمه ارمان را نیافتیم .
- ۲- خدنک بروزن یلنک نام درختی است بسیار سخت که از چوب آن نیزه و تیرزین اسب سازند ( برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .
- ۳- جی بکسراول و سکون ثانی ولایت صفاها نرا گویند عموماً . و بلوکی از بلوکات آنرا خصوصاً (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .
- ۴- قهندز معرب کهن دژ اسم عام است بنام قلعه قدیم، و علم برای چند قلعه قدیم است (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

خود را در آنجا بودیت گذاشتند که تازمان ما باقی و پایدار ماند. و نام این محل سارویه<sup>۱</sup> بود، و از خود این ساختمان مردم بسازنده و پایه گذار آن پی بردند، زیرا در سالهای گذشته گوشه<sup>۲</sup> از این ساختمان ویران گردیده و در آن سفی<sup>۳</sup> نمایان شد که با گل سفت<sup>۴</sup> ساخته شده بود و در آن کتاب زیادی از کتابهای پیشینیان دیده شد که تمام آنها بر پوست خدنگ<sup>۵</sup> در علوم گوناگون باستانی بخط فارسی باستانی نوشته و در آنجا گذاشته بودند، از این کتابها مقداری بدست کسی رسید که توانائی خواندن آنها را داشت، و در آن نوشته از برخی شاهان ایران یافت که چنین بود: بطهمورث شاه، که دوستدار دانش و دانش پژوهان بود خبر دادند که يك حادثه آسمانی در مغرب هویدا شود که بارانهای متوالی، و با دوام آن بدرجه افراط و برون از حد معمول و متعارف میباشد. و از آغاز پادشاهی وی، تا اولین روز ظهور این حادثه مغربی دو یست و سی و یکسال و سیصد روز خواهد بود، و منجمان ویرا از همان اوائل پادشاهی از این پیش آمد بر حذر داشته، و بسیار ترسانده و گفتند دنباله آن تا آخر مشرق کشیده خواهد شد و او بمهندسين دستور داد، که در تمام مملکت جائی را پیدا کنند که از حیث خوبی هوا، و زمین بر همه جاها برتری داشته باشد و آنان زمین همین ساختمانی که معروف بسارویه و تا این ساعت در میان شهر جی بر پاست پسندیدند. سپس امر کرد ساختمان محکمی در آنجا پایه گذاری کنند، و پس از فراغت از این کار امر کرد آنچه در خزانه از علوم گوناگون موجود است بر پوست خدنگ نوشته و در آن ساختمان جای دهند، تا پس از برطرف شدن آن حادثه مغربی، آن علوم برای مردم باقی بماند. و در میان آن کتابها کتابی منسوب بیکی از حکماء باستانی بود که دارای ادوارسین<sup>۶</sup> برای استخراج سیرستارگان و علل حرکتشان بوده، و مردم دوره طهمورث و پارسیان پیش از آنها آنرا ادوار هزارات مینامیدند و بسیاری از علماء هند و پادشاهانی که در آن مملکت بودند و همچنین پادشاهان فارسیان باستانی، و کلدانیان قدیم که اولین سکنه حومه بابل بودند، گردش سیارات هفتگانه را از آن استخراج مینمودند. و این زیج را از میان سائر زیجهای آن زمان، بدین جهت برگزیدند، که در آزمایش از همه صحیحتر، و مختصرتر از همه بود. و منجمان آن زمان زیجی از آن استخراج،

۱- سارویه نام جائی در کهن دژ اصفهان است (لغتنامه دهخدا).

۲- سخ بفتح اول و سکون ثانی نوعی از عمارت طولانی و دراز را گویند و آنرا بعربی ازج خوانند (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین).

۳- ف (من طین الشقیق) ش (من طین السفتق) که مراد همان گل سفت است.

۴- ادوار - یا ادوارسین، دوره ایست که احکامیان و منجمان برای هر ستاره از بدو خلقت تا با امروز قائل شده اند، و بفارسی آن را هزارات گویند (لغتنامه دهخدا).



و آنرا زیج شهریاری - یعنی پادشاه زیجها - نامیدند . این بود آخرین گفته ابومعشر .  
 محمد بن اسحاق گوید : یکی از اشخاص موثق بمن خبر داد که در سال سیصد و پنجاه  
 هجری . سنی خراب گردید که جایش معلوم نشد . زیرا از بلند بودن سطح آن ، گمان  
 میکردند که توی آن خالی نبوده و مصمت است ، تا زمانیکه فرو ریخت ، و از آن کتابهای  
 زیادی بدست آمد که هیچ کس توانائی خواندن آنرا نداشت ، و آنچه من با چشم خود  
 دیدم ، و ابوالفضل بن عمید در سال چهل و اندی آنها را فرستاده بود ، کتابهای پاره پاره  
 بود که درباروی شهر اصفهان میان صندوقهای بدست آمد ، و بزبان یونانی بود و کسانی که  
 آنرا میدانستند ، مانند یوحنا و دیگری آنرا استخراج نموده و معلوم شد که نام سربازان  
 و جیره آنان است . و آن کتابها چنان متعفن بود که گوئیا تازه از دباغی درآمده ولی پس از  
 آنکه یکسال در بغداد ماند . خشک شده و تغییر کرده و عفونتش برطرف گردیده ، و پاره از  
 آنها اکنون در نزد شیخ ابوسلیمان موجود است .  
 گویند ، سارویه یکی از بناهای محکم باستانی است که ساختمان معجزه آمیز دارد ، و  
 در مشرق همانند اهرام مصر در مغرب ، از حیث عظمت و شگفتی است .

### حکایت دیگر

در قدیم آموختن حکمت قدغن بود ، مگر برای کسانی که اهلیت و قابلیت دانستن آنرا  
 داشته ، و معلوم شده باشد که طبیعتاً استعداد فرا گرفتن حکمت را دارند . و فلاسفه در  
 زائجه کسیکه خواستار آموختن حکمت و فلسفه بود نظر مینمودند ، و اگر در آن زائجه وجود  
 استعدادی از همان آغاز ولادتش دیده میشد ، او را استخدام نموده و بوی حکمت میآموختند ،  
 و در غیر اینصورت از آموختن حکمت بوی خوداری مینمودند .

پیش از دیانت مسیح علیه السلام ، میان یونانیان ، و رومیان فلسفه جلوه داشت . و همینکه  
 رومیان بنصرانیت گرویدند ، آنانرا از فرا گرفتن فلسفه منع کردند ، و کتابهای آنرا یا  
 سوزانیده ، و یا در مخازنی نگاهداری نموده ، و مردم را از سخن در فلسفه باز میداشتند .  
 چون فلسفه را مخالف شریعت میدانستند .

ولی پس از مدتی رومیان دوباره بمذاهب فلسفه روی آوردند ، و سببش هم این بود  
 که لیولیانس پادشاه روم که در انطاکیه<sup>۱</sup> اقامت داشت ، تا مسطیوس مفسر کتابهای ارسطورا  
 بوزارت برگزیده ، و هنگامیکه شاپور ژوالاکتاف<sup>۲</sup> بقصد لیولیانس بسمت روم رفت

۱- انطاکیه Antioche در شمال سوریه و شهرستانی از حلب است (قاموس الاعلام ترکی).

۲- شاپور یا بای فارسی بروزن لاهور نام پادشاهی از دودمان اشک بن یافت بود و در دوره  
 او زکریا شهید شد . و او را شاپور ژوالاکتاف میگفتند برای آنکه عربها را که میگرفت  
 شانهایشان را در آورده و رها مینمود . (برهان قاطع بتصحیح آقای دکتر معین) .

تا زمام امور آنجا را بدست آورد ، لیولیانس با خبر شده و او را دستگیر نمود ، باختلاف روایاتی که در این باره شده ، و پس از آن لیولیانس بایران تاخته ، و بجندیشاپور<sup>۱</sup> که رسید بزرگان ، و سرکردگان و بقایای نگهبانان سلطنتی را در حصار انداخت ، چنانچه امروزه در آنجا بنام رخنه رومیان موجود است. و در پای آن حصار مدتها متوقف مانده و نتوانست آنرا بگشاید ؛

شاپور در کاخ لیولیانس زندانی بود ، و دختر لیولیانس برای عشقی که با او پیدا کرد ویرا رها داشته ، و اوهم درخفا از شهرها گذشته و خود را بجندیشاپور رسانیده و بشهر درآمد ، آمدن او موجب قوت قلب یاران و هوادارانش گردیده ، و آنرا بفال نیک گرفته ، همه از خانهها در آمدند ، و برومیان تاخته ، و لیولیانس را اسیر نمودند ، و شاپور او را بقتل رسانید . در باره جانشین او میان رومیان اختلافی پیدا شده ، و قسطنطین بزرگ که در اردوی رومیان بود هواداران بسیاری داشته و چون مخالفانش توانائی مقاومت با وی را نداشتند ، و اوهم مورد مهر و عنایت شاپور بود ، شاپور ویرا بجانشینی لیولیانس برگزیده ، و باین کار رومیان را منتدار خود ساخت . و بآنان راهی را نشان داد که بروم برگردند . بشرط آنکه در جای هر درخت خرمائی که از زمین حومه شهر و سائر شهرها کنده شده یکدرخت زیتون بکارند ، و از روم کسانی را روانه دارند که خرابکاریهای لیولیانس را ترمیم نمایند و اسباب و لوازم کار را نیز با خود داشته باشند ، قسطنطین تمام آن شرطها را قبول ، و بآن عمل نمود .

در دوره قسطنطین نصرانیت بهمان وضع سابق برگشته ، و ممنوعیت کتابهای فلسفی ، و ضبط آنها ، صورت گذشته را پیدا کرد که تا کنون هم بهمان حال باقیست . و ایرانیان در قدیم از فلسفه و منطق چیزهائی را بیپارسی در آورده بودند ، که عبدالله بن مقفع و دیگران آنها را بعربی ترجمه کرده اند .

### حکایت دیگر

خالد بن یزید بن معاویه را حکیم آل مروان میدانستند ، وی ذاتاً با فضل بود و اهتمام و محبت زیادی بدانش و علم داشت . و چون بفکر ساختن کیمیا افتاده بود ، امر کرد گروهی از فلاسفه مصر را که عربی میدانستند ، احضار نمایند ، و از ایشان خواست کتابهای کیمیا را از زبان یونانی و قبطی بعربی برگردانند ، و این اولین مرتبه بود که در اسلام

۱ - جندیشاپور از شهرهای خوزستانست که شاپور پسر اردشیر آنرا بنا نمود ، و اسیران روم و قسمتی از سپاه خود را در آنجا نگاه میداشت (معجم البلدان) .



از زبانی بزبان عربی ترجمه گردید. و پس از آن دیوان<sup>۱</sup> را ترجمه نمودند، و این ترجمه در زمان حجاج بود که از فارسی بعربی برگردانده شده، و مترجم آن صالح بن عبدالرحمن است که برده بنی تمیم و پدرش از اسیران سجستان<sup>۲</sup> بوده، و نزد زادانفرخ پسر پیری کاتب حجاج، بکار نویسندگی در عربی و فارسی اشتغال داشت و دل حجاج را بدست آورده بود. صالح بزادانفرخ گفت، من بوسیله تو بامیر راه یافته‌ام، و حالا مشاهده میکنم که امیر را بمن تمایلی است و بیم دارم که مرا بر تو مقدم دارد، و این مقام و منزلتی که داری از دست بدهی، زادانفرخ گفت، چنین گمانی را نداشته باش، زیرا او بمن بیشتر احتیاج دارد، تا من با او، چون جز من کسی دیگر نمیتواند حساب او را نگهداری نماید. صالح گفت، بخدا سوگند، اگر من بخواهم، میتوانم حساب او را بعربی برگردانم، زادانفرخ از او خواست چند سطر بی عربی در آورد، او هم این کار را کرده، و زادانفرخ با او گفت، بهتر است چندی تمارض نمائی، صالح نیز ببهانه بیماری از خانه بیرون نیامد، تا آنکه حجاج پزشک مخصوص خود، تیادورس را بعیادت او فرستاده و او هم صالح را بیمار نیافت، زادانفرخ که از این ماجری باخبر شد، دستور داد از خانه بیرون آید. از اتفاق در فتنه ابن اشعث<sup>۳</sup> زادانفرخ از جاییکه بود، بقصد رفتن بخانه بیرون آمده و در راه کشته شد، و حجاج صالح را بجای او گذاشت. و صالح جریان مذاکرات خود را با زادانفرخ درباره نقل دیوان از فارسی بعربی بوی گفته، و حجاج تصمیم باین کار گرفته، و از صالح آنرا خواست.

مردانشاه پسر زادانفرخ بصالح گفت، با دهویه، و ششویه چه میکنی، گفت آنرا ده، و نصف ده<sup>۴</sup> مینویسیم. گفت با ویده<sup>۵</sup> چه خواهی کرد، گفت مینویسم، و باز گفت، وید همان

۱ - دیوان کتابچه نام لشکریان و کسانی است که چیزی دریافت میداشتند، و نیز بجائی اطلاق میشود که در آن بدهاوی رسیدگی و فیصله نمایند، و یا در کارهای سیاسی گفتگو و مذاکره کنند (اقرب الموارد).

۲ - رجوع شود بصفحه ۲۱ همین کتاب.

۳ - عبدالرحمن بن اشعث در دوره حجاج شورش برپا کرده که در نتیجه مغلوب شده و بقتل رسید (اعلام رزکلی ج ۲).

۴ - دهویه، و ششویه بمعنی عسروسدس است و چون در صدر اسلام کتابچه‌ها مالیاتی عرب بزبان فارسی بود، و در اسلام خمس و زکوة از منابع درآمد بشمار میرفت، و خمس در فقه بشی قسمت منقسم میگردد، ظاهراً در فارسی برقم ششویه نگاهداری میشد و مؤید این معنی گفته صالح است که گوید بجای دهویه و ششویه، ده و نصف ده مینویسم، و نصف ده خمس است که همان خمس مالیاتی میباشد (رک کتاب الخمس شرایع ص ۵۰).

۵ - وید همان آند - پارسی است که بعربی نیف است.

نیف است، و اضافاتی است که افزایش پیدا میکند تا به ده برسد. مردانشاه گفت، خداوند ریشه تورا از بیخ و بن در آورد همچنانکه فارسی را از ریشه در آوردی، و ایرانیان صد هزار درهم بوی میدادند بشرطیکه تظاهر بعجز و ناتوانی از انجام این کار نماید. ولی صالح پافشاری نمود چون حجاج مهلتی در انجام آن معین کرده بود.

عبدالحمید گوید، خداوند بصالح برکت دهد که منت فروانی بر نویسندگان گذاشت. اما درشام، دیوان بزبان رومی بود، و از دوره معاویه بن ابوسفیان، سرجون بن منصور، و پس از او منصور بن سرجون آنرا مینوشتند، و در دوره هشام بن عبدالملک عبری در آمد، و مترجم آن، ابوثابت سلیمان بن سعد برده حسین متصدی اداره رسائل عبدالملک بود، و بقولی، ترجمه آن در دوره عبدالملک بعمل آمد، زیرا او از سرجون بن منصور پاره چیزها خواسته بود که سرجون انجام نداده، و عبدالملک آنرا بدل گرفته، و در این باره با سلیمان گفتگو و مشورت نموده، و سلیمان بوی گفت، من آن را عبری در آورم، و بتنهائی از عهده اینکار بر آمد.

## ذکر اسباب زیاد شدن کتابهای فلسفه

### وسائر علوم باستانی در این شهرها

#### یکی از آن اسباب

مأمون در خواب دید مرد سپید روئی که سرخ قامیش بیشتر بود با پیشانی فراخ و ابروانی پیوسته، و از جلوسر کم مو، و دید گانی شهلا و شمائلی زیبا بر تخت خود نشسته. مأمون گوید، چنان مینمود که من در مقابل او ایستاده‌ام، و هیبت او مرا گرفته است. پرسیدم تو کی هستی. گفت ارسطو. من بسیار شادمان گردیده و گفتم ای حکیم سئوالی دارم، گفت بگو، گفتم زیبائی چیست، گفت هر چه که عقل آنرا زیبا داند، گفتم پس از آن، گفت آن که شرع زیبایش خواند، گفتم پس از آن، گفت آن که جمهور مردم زیبا شمرند، گفتم پس از آن، گفت دیگر پس از آنی ندارد. و بروایت دیگر - گفتم پیش از این مرا آگاه بدار، گفت رفیق راحت را چون زرناب نگهدار و بیگانگی خداوند ایمان داشته باش.

و این خواب یکی از اسباب نشر کتابهای فلسفه گردید. و مأمون از راه مکاتبه که با پادشاه روم داشت در مقام استفاده برآمده و از او خواست که اجازه چند نفری را بروم

۱- در نسخهای خطی و چاپی الفهرست - دارد: من صحبك في الذهب فليكن عندك كالذهب. ولی در کتاب اخبار الحکما، قفطی، بنقل از ابن ندیم دارد: من صحبك في الذهب فليكن عندك كالذهب. که در میان عرب مثل معروفی است. و صحیح هم همین است در تجدید مورد توجه قرار دادیم. (ر.ک. اخبار الحکما، قفطی ص ۲۹).



روانه دارد تا از علوم باستانی که در خزائن آنجا بود چیزهایی را انتخاب، و با خود بیاورند. پادشاه روم، در ابتدا روی موافقت نشان نداده، ولی بالاخره پذیرفته و جواب مساعد داد. و مأمون گروهی را مانند حجاج بن مطر، و ابن بطریق، و سلما متصدی بیت الحکمه، و چند نفر دیگر را بدان سوی روانه داشته، و آنان نیز چیزهایی انتخاب نموده، و با خود آوردند که بامر مأمون همه آنها ترجمه گردید. و گویند، یوحنا بن ماسویه نیز از جمله آن فرستادگان بروم بود.

محمد بن اسحاق گوید: از جمله کسانی که کوشش و اهتمام زیادی در آوردن کتاب از روم، داشتند، محمد، و احمد، و حسن فرزندان شاکر منجم بودند که شرحش خواهد آمد و اینان از بذل مال در این راه دریغی نکرده، و حنین بن اسحاق و چند نفر دیگر را بروم فرستاده و آنها کتابهای شگفتانگیز، و تصنیفات غریبی را در فلسفه، و هندسه، و موسیقی، و ارثماتیکی<sup>۱</sup> و طب، با خود آوردند. و قسطابن لوقا بعلبکی نیز چیزهایی با خود آورده بود که پاره را ترجمه کرده و پاره را برایش ترجمه کردند.

ابو سلیمان منطقی سجستانی گوید: فرزندان منجم، بگروهی از مترجمان، چون حنین بن اسحاق، و حبیب بن حسن، و ثابت بن قره، و دیگران، ماهیانه در حدود پانصد دینار برای ترجمه و اشتغالشان باینکار میدادند.

محمد بن اسحاق گوید، در يك مجلس همگانی از ابو اسحاق شهرام شنیدم که میگفت، در روم بتکده ایست که از قدیم ساخته شده، و دري بزرگ از دو لنگه آهن دارد که مانند آن دیده نشده، و در زمان قدیم که یونانیان ستاره، و بت پرست بودند، آن را گرامی داشته، و در آنجا بدعا و قربانی مشغول میشدند. من از پادشاه روم درخواست نمودم که آنرا برای من بکشایند، وی امتناع کرد، چون از زمان گروش رومیان بنصرانیت، درهای آنرا بسته بودند، ولی من اصرار ورزیدم. و با نرمی چه بوسیله نامه، و چه هنگام ملاقات، شفاهاً آن درخواست را دنبال نمودم، تا آنکه قبول نموده و امر کرد آنرا برای من بکشایند، و من ساختمانی دیدم که از مرمر، و سنگهای بزرگ رنگارنگ بنا گردیده، و کتیبهها و نقشهای فراوانی داشت که در زیبایی مانند آنها دیده و شنیده نشده، و کتابهایی در آنجا دیدم که باندازه بار چندین شتر - و این جمله را آنقدر افزود تا گفت، بار هزار شتر بود، پاره پوسیده، و پاره بحال خود باقیمانده، و پاره راهم موریانه خورده بود، و در آنجا آلات و اسباب شگفت- انگیزی برای قربانی دیدم که از طلا، و چیزهای ظریف ساخته شده بود، پس از بیرون

آمدن من از آنجا دوباره آن درها بسته شده ، و باین کار منت زیادی بر من گذاشتند . و گوید این امر در دوره سیفالدوله پیش آمد ، و آن ساختمان تا قسطنطنیه سه منزل فاصله دارد ، و در مجاورت آن گروهی از صابئیان کلدی زندگانی مینمودند . و رومیان بآنان آزادی مذهب داده ، و از ایشان جزیه میگرفتند .

### نام مترجمان بزبان عربی

اصطفتن قدیم: مترجم کتابهای در کیمیا و غیره ، برای خالد بن یزید بن معاویه .  
ابن بطریق: که در دوره منصور ، بدستور وی ، پاره از کتابهای قدیم را ترجمه نموده ،  
و پسرش ابوزکریا یحیی بن بطریق در خدمت سهل بن حسن بود .  
حجاج بن مطر: برای مأمون چیزهایی را تفسیر کرد ، و مجسطی و اقلیدس را او ترجمه نموده است .

ابن ناعمه ، نامش عبدالملیح بن عبدالله حمصی ناعمی .

سلام بن ابرش ، از قدماء مترجمان دوران برمکیان و بگفته آقای ما ابوالقاسم عیسی بن علی بن عیسی ایده الله ، سماع طبیعی را او ترجمه کرده است . حبیب بن بهریز . مطران موصلی مفسر چندین کتاب برای مأمون . زوربا ، بن ماجوه ، ناعمی حمصی . هلال بن ابوهلال حمصی . تذاری . قیشون . ابونصر بن باری<sup>۱</sup> بن ایوب . بسیل مطران . ابونوح بن صلت . اسطاث . جیرون . اصطفتن باسیل ، ابن رابطه . تیوفیلی . شملی . عیسی بن نوح ، قویری ، نامش ابراهیم ، مکنی بابو اسحاق . تدرس سنقل . داریع راهب . هیبا . بشیون . صلیبا . ایوب رهاوی . ثابت بن قمع . ایوب و سمعان که برای محمد بن خالد بن یحیی بن برمک ، زیج بطلمیوس و چند کتاب باستانی را ترجمه کردند . باسیل ، که در خدمت ذوالیمینین بود . ابن شهدی کرخی ، که ترجمه های بسیار بدی از سریانی بعربی دارد ، و از آن جمله کتاب الاجنه بقراط است . ابوعمر و یوحنا بن یوسف کاتب ، نیز از مترجمان و کتاب فلاطون فی آداب الصبیان ، ترجمه اوست . ایوب بن قاسم رقی ، مترجم سریانی بعربی ، و کتاب ایساغوجی را او ترجمه کرده است . مرلاحی ، که در زمان ماحیات دارد ، و سریانی را بخوبی میداند ، ولی در عربی الفاظ زشتی بکار می برد . و نزد علی بن ابراهیم دهکی ، بکار ترجمه از سریانی بعربی مشغول بوده ، و ابن دهکی ترجمه هایش را اصلاح مینماید ، داریشوع که از مفسران سریانی بعربی ، برای اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی بود . قسطابن لوقا بعلبکی ( بنوشته ابن ملطی ، کنیه اش ابوسعید )



ترجمه‌اش بسیار خوب و در یونانی ، و سریانی و عربی فصیح بود ، و چیزهایی را ترجمه کرده ، و ترجمه‌های زیادی را اصلاح نموده ، که ذکرش در شرح علماء صاحب تصنیف خواهد آمد .

حنین ، اسحاق ، ثابت ، حبیب‌عسی بن یحیی دمشقی ، ابراهیم بن صلت ، ابراهیم بن عبدالله ؛ یحیی بن عدی تغلیسی ، کسانی هستند که ما پس از این بذکرشان خواهیم پرداخت ، زیرا دارای مصنفاتی هستند . انشالله .

### مترجمان فارسی عبری

ابن مقفع ، بجای خود گفته شد . بیشترین افراد خاندان نوبخت ، که در پیش ذکری از آنها شده و در آتیه نیز بذکرشان خواهد آمد . انشالله ، موسی و یوسف . پسران خالد ، که در خدمت داود بن عبدالله بن حمید بن قحطبه ، بکار ترجمه از فارسی عبری اشتغال داشتند . تمیمی ، نامش علی بن زیاد ، و کنیه اش ابوالحسن ، از مترجمان فارسی عبری بود ، و زیج شهریار را او ترجمه کرده . حسن بن سهل ، که ذکرش در اخبار منجمان خواهد آمد . بلادری احمد بن جابر که پیش از این گفته شد . از مترجمان فارسی عبری بود ، جبلة بن سالم ، کاتب هشام که نامش گذشت . از مترجمان فارسی عبری بود . اسحاق بن یزید ، ترجمه - هایی از فارسی عبری دارد که از آن جمله ، کتاب سیرة الفرس - معروف بخداینامه<sup>۱</sup> است و از مترجمان فارسی : محمد بن جهم برمکی . و هشام بن قاسم ، و عیسی کردی و زادویه بن شاهویه اصفهانی ، و محمد بن بهرام بن مطیار اصفهانی ، و بهرام بن مردانشاه ، مؤبد شهر شاپور<sup>۲</sup> از شهرستان فارس ، و عمر بن فرخان ، بودند ، و ما در اخبار مصنفان عمر بن فرخان را ذکر خواهیم نمود .

### مترجمان هندی و نبطی<sup>۳</sup>

منکه هندی ، در دسمگاه اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی ، بود و از هندی عبری ترجمه مینمود .

ابن دهن هندی ، متصدی بیمارستان برمکیان ، از مترجمان هندی عبری بود .

۱- ف (اختیارنامه) .

۲- ف (نیابور) ۳- رجوع شود بصفحة ۱۹ همین کتاب .

ابن وحشیه از نبطی بعربی ترجمه میکرد و گفته اند ترجمه‌های زیادی داشته، که ذکرش خواهد آمد. انشاالله.

### اولین سخنگو در فلسفه

در محضر ابوالقاسم عیسی بن علی از ابوالخیر خمار پرسیدم، اولین سخنگو در فلسفه چه کسی بود، گفت، فرفور یوس صوری در کتاب التاریخ خود، که بزبان سریانی است، گوید اولین فیلسوف، از فلاسفه سبعة<sup>۱</sup> ثالس بن مالس املیسی بود و از این کتاب دو مقاله بعربی ترجمه شده است. این گفته را ابوالقاسم تصدیق کرده، و در آن تردید و شکی نداشت.

بعقیده دیگران، اولین سخنگو در فلسفه، بوئاغورس بن میسارخس، از مردم سامیا بود. فلوطرخس گوید: بوئاغورس اول کسی است که در فلسفه سخن گفته. و آنرا فلسفه نامیده و رساله‌هایی داشت که معروف بذهبیات بود، زیرا جالینوس از جهت تجلیل و احترام او آنها را با طلا نوشته است. و من از تألیفات بوئاغورس این کتابها را دیده‌ام: رساله او در سیاست عقلیه. رساله او بتمرد سقلیه. رساله او بسیفانس در استخراج معانی، و از این رساله‌ها گاهی نسخه‌هایی بتفسیر املیخس بدست آید.

و باز گوید: پس از او، کسیکه در فلسفه سخن گفت سقراط پسر سقراطیس، از شهر آتنه، شهر معروف بشهر علما و حکما بود، و بسیاری از گفتارش تدوین<sup>۲</sup> نگردیده، و آنچه بدست آمد. مقاله ایست در سیاست. و رساله در سیرت نیکو که آنرا نیز از وی دانسته اند. و بحکایت دیگر، سقراطیس که معنایش نگهدار تندرستی است از مردم آتنه، و زاهد و خطیب، و حکیم بوده. و برای مخالفتش با یونانیان بقتل رسیده، و سرگذشت آن معروفست و پادشاهی

۱- فلاسفه سبعة، یا حکماء سبعة بگروهی از فلاسفه اطلاق میشود که در قرن ششم قبل از میلاد بودند.

اولی-	Bias de priene	بیاس دوپریین.
دومی-	Chilons de lasdémone	شیلن دل‌اسه دمون
سومی-	Cleobule de lindos	کلئبول دولیندوز
چهارمی	Periander de corinthe	پریاندر دو کورینت.
پنجمی-	Pittacos de mityline	پتیاگوس دو میتیلین.
ششمی-	Solon d'athenes	سولن داتن.
هفتمی-	Thalis de Milet	ثالس دو ملیت (رک). لاروس فرانسه؛ زیر

کلمه Sage (Sage) ۲- ف (لم‌یدروا) ش (لم‌یدون).



که در کشتن او مداخله داشت ارتخاست بود<sup>۱</sup> و افلاطون از اصحاب او بشمار میرفت ، و بنوشته اسحاق بن حنین مدت زندگانی سقراط باندازه زندگانی افلاطون بود ، و در جای دیگر گوید ، افلاطون هشتاد سال زندگانی نمود.

## افلاطون

### از کتاب فلوطرخس

افلاطون پسر ارستن ، و معنایش فسیح<sup>۲</sup> است. ثاون نام پدرش را اسطون دانسته و گوید که وی از اشراف یونان بشمار میرفت ، و در اوائل عمرش بشعر تمایلی داشته ، و هنرمندی زیادی در آن پیدا کرد .

و پس از آنکه بمجلس سقراط درآمده ، و عیب جوئی او را از شعر دید ، دست از شعر برداشت و پیرو نظریه فیثاغورس در اشیاء معقوله گردیده ، و چنانکه گویند ، هشتاد و یکسال زندگانی نمود، و ارسطو شاگرد او بود ، و از وی آموخته ، و جانشین او گردید . اسحاق گوید: افلاطون از بقراط آموخته ، و در سال تولد اسکندر ، وفات یافت، که سیزدهمین سال پادشاهی لائوخوس<sup>۳</sup> بود. و ارسطو جانشین او گردید ، و در آن زمان پادشاه

۱- عبارت متن عربی چنین است ، وكان الملك الذی تولى قتله ارتخاست . و معلوم نیست که ابن ندیم در این بیان چه منظوری داشته ، زیرا ارتخاست همان پادشاه ایرانست که در تاریخ باستانی بنام ( ارت خستره Artexerexes ) پادشاه هخامنشی آمده و این اردشیر که بدر از دست معروف بود در سال ۴۲۴ قبل از مسیح در گذشت و سقراط در سال ۴۰۰ و بقولی ۳۹۹ ق.م کشته شد ، و اگر بگوییم مراد ابن ندیم اردشیر دوم است که در سال ۴۰۴ بتخت سلطنت نشسته و تا سال ۳۶۲- یا ۳۶۰ ق.م حکومت داشته و همزمان با قتل سقراط بود این اشکال پیش آید که در آن زمان یونان تحت سلطه ایران نبود تا اردشیر را در قتل او مداخله باشد ( ر . ک . لغتنامه دهخدا . و کتاب زندگانی سقراط بزبان فرانسه تألیف آندره کرسون چاپ پاریس ) .

۲- فسیح- گشاده و فراخ (منتهی الارب).

۳- لائوخوس اردشیر سوم است که نامش اوخس بود و تصور میکنند یونانی شده هوك است و ای پس از آنکه بتخت نشست خود را اردشیر و در ۳۵۹-۸ ق.م بتخت سلطنت نشسته و در ۳۳۸ ق.م وفات یافت (لغتنامه دهخدا زیر اردشیر سوم) .

مقدونیه فیلیپس پدر اسکندر بود و بنوشته اسحاق ، افلاطون هشتاد سال زندگانی نمود.

## تالیفات افلاطون از روی ترتیبی

### که تاون ذکر نموده

کتاب السياسة - بترجمه حنین بن اسحاق . کتاب النوامیس - بترجمه حنین ، و یحیی بن عدی .

تاون گوید : افلاطون کتابهایش را از قول دیگران نقل کرده ، و هر کتابی را بنام آن کسی نامید که برای او تألیف کرد. بدینگونه : قول سماه تا اجیس - در فلسفه . قول سماه لاخس - در شجاعت . قول سماه ارسطو - در فلسفه . قول سماه خرمیدس - در عفاف . قول سماه القیبیادس - در زیبایی . قول سماه اوتودیمس . قول سماه غورجیاس . قول سماه افیا . قول سماه اوین . قول سماه فروطانغورس . قول سماه اوثوفرن . قول سماه قرطن . قول سماه فاذن . قول سماه تا اطاطس . قول سماه فیلوطفوفون . قول سماه قراطولس . قول سماه سوفسطس . و بنوشته یحیی بن عدی دیدم که اسحاق ، سوفسطس بتفسیر امقیدورس را ترجمه کرده است . قول سماه طیماوس - که یحیی بن عدی اصلاحاتی در آن دارد . قول سماه فرمانیدس - که جالینوس مجموعه از آن دارد . قول سماه فدرس . قول سماه مانن . قول سماه مینس . قول سماه ابرخس . قول سماه مانکسانس . قول سماه اطلیطقوس .

گذشته از آنچه که تاون ذکر نموده ، من نیز این کتابها را دیده‌ام ، و شخص موثقی هم بمن گفت که آنها را دیده است . کتاب طیماوس - سه مقاله - بترجمه ابن بطریق ، و حنین بن اسحاق ، و یا حنین ترجمه ابن بطریق را اصلاح کرده است . کتاب المناسبات . و بنوشته یحیی بن عدی . کتاب فلاطن الی اقرطن فی النوامیس . و باز بنوشته یحیی بن عدی . کتاب التوحید و قوله فی النفس والعقل والجوهر والمرض . کتاب الحس واللذة - یکمقاله . کتاب طیماوس - که فلوطرخس بر آن سخنانی دارد ، و بنوشته یحیی . کتاب سطس - ترجمه مسیو دریوس - همچنین بنوشته یحیی . کتاب تأدیبات الاحداث . و رساله‌های دیگر هم دارد که در دسترس همه است . تاون گوید : افلاطون برای خواندن کتابهایش ترتیبی داده بود ، باین معنی هر چهار کتاب را برای يك مرتبه ، که آنرا چهار چهار مینامند ، و اسحاق راهب گوید : در دوران ارطخاست

معروف بدر از دست افلاطون مشهور و معروف گردید .

محمد بن اسحاق گوید : این ارطخاست پادشاه ایران بود ، و با افلاطون هیچگونه رابطه نداشته ، و همان گشتاسب شاه است که زردشت بسوی او رفت<sup>۲</sup> . کتاب فلاطن اصول الهندسه - ترجمه مظا<sup>۳</sup> .

### اخبار ارسطو<sup>۴</sup>

معنای ارسطو دوستدار حکمت است . و او را فاضل کامل ، و التام الفاضل نیز می‌گفتند وی پسر نيقوماخس پسر ماخاون<sup>۵</sup> ، و از فرزندان اسقلبیادس ، مخترع طب برای یونانیانست و این را بطلمیوس غریب نوشته ، و گوید مادر ارسطو ، افسیطیا بود که با اسقلبیادس میرسید . ارسطو از مردم اسطاغاریا<sup>۶</sup> بود ، که شهری یونانی است . و پدرش نيقوماخس پزشک فیلیپس پدر اسکندر بود ، و خود او از شاگردان افلاطون بشمار میرفت ، و بگفته بطلمیوس ایمان او با افلاطون در اثر الهامیت که خداوند در معبد بوئیون باو نمود . ارسطو بیست سال بآموختن اشتغال داشت و در غیاب افلاطون و زمان رفتنش بصقلیه<sup>۷</sup> جانین

۱- ارطخاست دراز دست همان اردشیر اول (ارتخستره) است که در سال ۴۲۴ ق.م در گذشت و با در نظر گرفتن تاریخ ولادت افلاطون که در سال ۴۲۹ ق.م بوده سستی این گفتار آشکار میشود (ر.ک. تاریخ ایران باستان ج ۲ ص ۹۵۱ - و تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ج ۱-ص ۹۲) .

۲- این قسمت از گفته ابن ندیم در عدم ارتباط پادشاه ایران ( اردشیر اول ) با افلاطون صحیح است زیرا بطوریکه اشاره شد دوره زندگانی این دو نفر مختلف است . ولی اینکه گوید ، او ( یعنی اردشیر اول ) همان بستاسب یا گشتاسب میباشد که زردشت بسوی او رفت صحیح بنظر نمیآید ، زیرا اولاً اردشیر اول از هخامنشیان بوده و گشتاسب از سلسله کیان است . ثانیاً قدر مسلم در نظر مورخان ، ظهور زردشت در قرن شش قبل از میلاد بوده ، و اردشیر اول در اوائل قرن پنجم قبل از میلاد وفات یافته ، و بعقیده استاد دکتر معین ، ممکن است این اشتباه از اینجا پیدا شده باشد که بهمن پسر اسفندیار پسر گشتاسب را نیز دراز دست می‌گفتند (ر.ک. گاتها ص ۲۶-۲۹ . و مزدیسنا ص ۷۶-۱۶۷) .

۳- ف (قسطا) .

۴- در متن عربی ارسطاليس است ولی چون - ارسطو - بیشتر در زبانها متداول است ما درهمه جا بدکر این نام اکتفا کردیم .

۵- ش (ماخازن)

۶- اسطاغریا - Stagire از شهرهای مقدونیه و وطن ارسطوست (اعلام لاروس) .

۷- صقلیه - Sicile جزیره بزرگیست در دریای مغرب - مقابل افریقا (ر.ک. معجم

البلدان) .



او در دارالتعلیم بوده ، و گویند ، در سی سالگی بفلسفه پرداخت و از بلغاء و مترسلان ، و بزرگان دانشمندان یونان بعد از افلاطون ، و سائر علماء گذشته بشمار میرفت ، و در فلسفه مرتبتی بلند ، و در نزد پادشاهان مقام و منزلتی ارجمند پیدا کرد ، اسکندر کارهایش را بنظر و صوابدید او انجام میداد . و نامه‌هایی در سیاست و جز آن با اسکندر نوشته است ، که از آن جمله رساله در سیاست است که چنین آغاز میشود : اما شگفتی از مناقب ، و بزرگواریت ، برای تواتری که دارد ، از میان رفته . و مانند چیزهای قدیمی شده ، که مردم بآن خو گرفته ، و تازگی شگفتی بخشی ندارد ، و تو مصداق این مثل همگانی هستی ، که ستایشگرانت در غو نیستند . و در همین رساله دارد - اگر سختیها ، و دشواریها مردم را بستوه آورد . برای چاره جوئی بجنب و جوش در آیند ، ولی همینکه ، آسایش و راحتی یابند ، حرص و آز بیشتری پیدا نمایند ، و پرده شرم و حیا را از رخساره بردارند ، و از این جهت وقتیکه در آسایش و راحتی غنوده اند بی اندازه نیازمند بنظم و آئین باشند . و باز گوید : بیائید و هم پیمان شوید که ، دشمنان را بیازارید<sup>۱</sup> ، و پشیمان شدگان را ببخشید ، و با اعتراف کنندگان مهربان باشید ، و با دسیسه کار بد رفتاری کنید ، و سرکشان را بجان هم اندازید ، و حسودان را بخشم در آورید ، و با ابلها بردبار ، و با تندروان با وقار باشید . فتنه جویان را کوچک شمرد ، و از بدگویان دوری جوئید . کارهای پیچیده را بوقت دیگر گذارید ، و در کارهای روشن عزم و تصمیم بکاربرید ، و کارهای مشکل را مورد گفتگو و مباحثه قرار دهید . از اینها که بگذریم ، در مصاحبت با پادشاهان ، راز دار ، و راهنما ، و ستایشگر ، و ملازم خدمت باشید ، که شاهان ستایش را شایسته خود ، و بردگی را برای مردم پسندیده دارند .

این سخنان با اینکه از زبانی بزبان دیگر در آمده در منتهی درجه حکمت و بلاغت ،

و پراز معانی نغز بوده چه رسد باینکه از زبان گوینده اش شنیده شود .

گویند پس از مرگ فیلیپس ، اسکندر پادشاهی رسید . و همینکه بجنک و ستیزه با سائر ملل برخواست ، ارسطو از وی کناره گیری نموده ، و روی بخدا آورده ، و بآتنه رفته و در آنجا دارالتعلیم را ساخت . و آن جائی است که فلاسفه مشائیین<sup>۲</sup> بآن نسبت داده میشوند و بنای رسیدگی بمصالح مردم ، و دستگیری از بیچارگان را گذاشته ، و شهری در اسطاغریا ساخته ، و سرگذشتهای زیادی دارد که ماشمه از آن را ذکر نمودیم ، وفات ارسطو را در سن شصت و شش سالگی ، در اواخر دوره اسکندر ، گفته اند ، و بقولی وفاتش در آغاز

۱ - ف (بالاذن) ش (بالاذی) .

۲ - مشائیین - عنوان شاگردان ارسطو میباشد ، چون ارسطو هنگام درس راه میرفت

(لغتنامه دهخدا) .

پادشاهی بطلمیوس لاغوس بوده ، و ثاوفرسطس ، پسر خواهرش ، جانشین او در دارالتعلیم گردید .

### وصیت ارسطو

غریب گوید<sup>۱</sup>، ارسطو هنگام وفات گفت : وصی دائمی من در تمام آنچه از من باقی بماند ، انطیطرس است. و تا زمانی که نیکانر بیاید ، ارسطومانس ، و طیمرخس ، و ایفرخس ، و ذیوطالس ، اید بکارهایی که احتیاج برسدگی دارد ، اهتمام ورزند و چنانکه شاید و باید در امور خانواده من ، و اربلیس خدمتکار من ، و سائر کنیزان و بردگان ، و هرچه که بجا گذاشته ام ، بذل عنایت نمایند ، و اگر برای ثاوفرسطس ممکن باشد که با آنان همکاری نماید دریغ نداشته باشد، و همینکه دخترم بسن رشد رسید ، نیکانر باید سرپرست کارهای او باشد. و اگر مرگ او را ربودخواه شوهر کرده و یا نکرده باشد ، و فرزندی هم از او بجا نمانده باشد سرپرستی و رسیدگی بکارهای پسر من نیکومانس ، با نیکانراست ، و در این باره وصیت من با او این است، که کارها را مطابق میل خود ، و بطوریکه شایسته اوست ، انجام دهد. و اگر پیش از ازدواج با دخترم ، و یا پس از ازدواج با او نداشتن فرزندی از وی نیکانر از دنیا رفت ، و در کارهای مربوط بمن وصیتی کرد، آن وصیت نافذ و مجراست. و اگر بدون وصیت از دنیا رفت ، و برای ثاوفرسطس امکان داشت که جانشین او گردد، کارهای پسر من ، و سائر باقیمانده گان من با او بوده ، و اگر نخواسته باشد ، اوصیائی که نام بردم باید در آن کارها با انطیطرس مشورت نموده ، و هرچه را که باتفاق رأی دهند ، درباره بازمانده گان من عمل نمایند. و اوصیا. و نیکانر باید نسبت باربلیس خواسته های مرا در نظر گیرند ، چه او بر من ذیحق بوده ، و میدیدم که چگونه در خدمتگذاری بمن اهتمام دارد ، و کارها را موافق میل قلبی و شادمانی من انجام دهد. از این جهت سعی کنند که نیازمندیهایش را برآورده دارند، و اگر خواست شوهر نماید ، جز بمراد فاضل و دانشمندی او را ندهند، و باو، بجز آنچه که دارد، يك طالنتن<sup>۲</sup> نقره ، که یکصد و بیست و پنج رطل<sup>۳</sup> است ، با سه کنیزکی با انتخاب خود او با کنیز و غلامی که دارد ، باو بدهند، و اگر دوست داشته باشد که در خلقیس اقامت نماید ، خانه

۱ - ظاهراً مراد بطلمیوس غریب است .

۲ - طالنتن - Talantune - وزن قدیم است که در یونان برای طلا و نقره بکار

میرفت (لاروس) .

۳ - رطل - معادل دوازده اوقیه است (اقربالموارد) .



من که دارالضیافه و کنار باغ است از او بوده ، و اگر خواست در شهر اسطاغریا زندگانی کند ، خانه‌های پدران من در اختیار اوست، و هر خانه‌را که پسندید اوصیا باید تمام نیازمندی‌هایی را که او اظهار میدارد برایش انجام دهند .

اما درباره خانواده و فرزندانم ، من لازم نمیدانم تذکری درباره نگاهداری از آنها باوصیا ، بدهم . و نیتانر باید اهتمام ورزد که برده من مرقس را ، با هر چه دارد ، و بکیفیتی که مایل است بشهرش بازگرداند. و کنیزك من، اما رقیس را آزاد کنند. و اگر پس از آزادی بخواهد در خدمت دختر من باشد ، تا زمانیکه شوهر اختیار کند ، پانصد درخم<sup>۱</sup> با همان کنیزکی که از خود اوست باو بدهند و بئالیس ، همان، دخترکی که بتازگی بملکیت ما در آمده ، یکی از بردگان ما را با هزار درخم بدهند . و بسیمس بهای يك برده داده شود که برای خود خریداری نماید ، سوای آن برده که بهایش بوی داده شده بود و بجز اینها نیز اوصیاء چیزهایی را بوی ارزانی دارند، و همینکه دخترم ازدواج کرد، بردگان من، ثاجن، وفیلن، و اولمبیوس<sup>۲</sup> باید آزاد شوند، پس اولمبیوس<sup>۳</sup> نباید فروخته شود. و هیچیک از پسر بچگانی که در خدمت من بودند نباید فروخته شوند . بلکه در سر خدمت باشند تا زمانیکه پپایه مردان بزرگ برسند ، و همینکه بآن پایه رسیدند . باید آزاد شوند ، و بهریك بتناسب شایستگی و استحقاقی که دارد . چیزی داده شود . انشاالله . و بگفته و نوشته اسحاق ، ارسطو شصت و هفت سال زندگانی نمود .

### ترتیب کتابهای او در منطقیات

#### و طبیعیات، و الهیات و خلقیات

#### سخن درباره منطقیات او که هشت کتابست

قاطیفوریاس<sup>۴</sup> یعنی مقولات ، بای ارمانیاس<sup>۵</sup> یعنی عبارت ، انالوطیقا<sup>۶</sup> یعنی تحلیل – القیاس . ابود قطیقا<sup>۷</sup> که انالوطیقای دوم، و بمعنی برهان است . طویقا<sup>۸</sup> بمعنی جدل . سوفسطیقا<sup>۹</sup>

۱- در اخم- یا درهم- کلمه یونانی و پنجاه دانق است (المنجد) .

۲-۳- ف (اربلیس) و در تعلیقات فلوکل- اولمبیوس .

۵- Parihermenias

۴- Catégories

۶- Analytica-Priora

۷- Analytica-posteriora- یا- Apodictique

۹- Sophistica

۸- Topica



بمعنای مغالطه. ریطوريقا<sup>۱</sup> بمعنای خطابه. ابوطيقا<sup>۲</sup> که بآن بوطيقا نیز گویند، و بمعنای شعراست.

### سخن درباره قاطیغوریاس

#### بترجمه حنین بن اسحاق

کسانیکه آنرا شرح و تفسیر کرده‌اند: فرفور یوس، اصطفن اسکندرانی، لینس، یحیی نحوی، تامسطیوس-امونیوس، ثاوفر سطس، سنبلیقوس، و ثاون نامی، بسریانی و عربی که از تفسیر سنبلیقوس اضافاتی بر آن دارد. و از تفسیرهای شکفت انگیز قطعه‌ایست که با میلخس نسبت داده‌اند، و شیخ ابوزکریا گوید، که احتمال می‌رود آن را بنام املیخس جعل کرده باشند، زیرا در ضمن گفته‌های اسکندر چنین چیز را دیده‌ام، و شیخ ابوسلیمان گوید: ابوزکریا در صدد ترجمه آن کتاب بتفسیر اسکندر افرو دیسی بود که در حدود سیصد ورقست، و از کسانیکه این کتاب را تفسیر کرده‌اند، ابونصر فارابی، و ابوبشر متی هستند، و از این کتاب خلاصه‌ها و مجموعه‌های مشجر و غیر مشجر از گروهی مانند، ابن مقفع، و ابن بهرینز، و کندی، و اسحاق بن حنین، و احمد بن طیب، و رازی است.

### سخن درباره باری ارهینیاس

حنین آنرا بسریانی، و اسحاق اصل آنرا بعربی ترجمه نمود. مفسران آن: اسکندر، که تفسیرش نایابست، یحیی نحوی، املیخس، فرفور یوس، و مجموعه‌های اصطفن، تفسیر چالینوس که غریب و نایاب بوده<sup>۳</sup> و قویری، و متی ابوبشر، و فارابی، و ثاوفر سطس، و کسانیکه آنرا مختصر کردند: حنین است، و اسحاق، و ابن مقفع، و کندی، و ابن بهرینز، و ثابت بن قره، و احمد بن طیب، و رازی.

### سخن درباره انالوطیقای اول

تبادورس آنرا بعربی ترجمه کرده، و گویند آنرا بحنین عرضه داشت که اصلاح نماید، و حنین يك قطعه از آنرا بسریانی در آورد، و اسحاق بقیه آنرا بسریانی در آورد.

مفسران آن : اسکندر دو تفسیر دارد . تا اشکال حملیه<sup>۱</sup> که یکی از دیگری بهتر بوده . و ثامسطیوس تمام آن دو مقاله را در سه مقاله تفسیر نمود . و یحیی نحوی آنرا تا اشکال حملیه<sup>۲</sup> تفسیر نمود و قویری نیز آنرا تا سه مقاله و ابو بشر متی دو مقاله تمام را تفسیر کرده است ، و کندی نیز تفسیری از این کتاب دارد .

### سخن در بارهٔ ابود قطیقا که

#### انالوطیقای دوم است

قسمتی از دو مقاله آنرا حنین بسریانی ترجمه کرده ، و اسحاق همه را بسریانی در آورد ، و متی ترجمه اسحاق را بعربی برگردانید . مفسران آن : ثامسطیوس شرحی بر تمام این کتاب دارد . و اسکندر شرحی بر آن دارد که نایابست . و یحیی نحوی نیز آنرا شرح کرده ، و ابو یحیی مروزی که متی این کتاب را بر او قرائت داشته بود سخنانی در آن دارد . و ابو بشر متی ، و فارابی ، و کندی نیز شرحی بر آن دارند .

#### سخن در باره طویقا

اسحاق از این کتاب ترجمهٔ بسریانی دارد ، و یحیی بن عدی ترجمه او را بعربی در آورد دمشق هفت مقاله از آنرا ترجمه کرده ، و مقاله هشتم آنرا ابراهیم بن عبدالله ترجمه کرده ، و از ترجمه‌های قدیم نیز گاهی بدست آید . مفسران آن : یحیی بن عدی در مقدمهٔ ترجمهٔ که بر این کتاب دارد ، گوید : من تفسیری از گذشتگان بر این کتاب نیافتم ، جز تفسیر اسکندر از قسمتی از مقاله اول ، و مقاله پنجم ، و ششم ، و هفتم ، و هشتم . و تفسیر امونیوس از مقاله اول ، دوم ، سوم ، و چهارم . و در تفسیر خود اتکاء بچیزهائی داشتم که از تفسیر اسکندر ، و امونیوس فهمیده بودم . و عبارت مترجمان این دو تفسیر را هم اصلاح کرده‌ام . و تفسیر یحیی از این کتاب در حدود هزار ورق است .

و بگفته دیگری جز یحیی : امونیوس چهار مقاله اول را شرح کرده ، و اسکندر چهار مقاله آخری را شرح نموده تا دوازدهمین موضع از مقاله هشتم . و ثامسطیوس باقی موضعها را شرح کرده است . فارابی هم تفسیری از این کتاب ، و هم خلاصه از آن دارد . و متی مقاله اول را تفسیر نموده ، و اسحاق مقداریرا که امونیوس و اسکندر تفسیر نموده‌اند ترجمه کرده ، و ابو عثمان دمشقی نیز ترجمهٔ از این کتاب دارد .

۱-۲ - در متن فلوکل - الاشیکال الجملیه است ولی صحیح آن - الاشیکال الجملیه - است که از مصطلحات علم منطق است : در (ش) نیز - الاشکال الجملیه - است (ر. ک.) تاریخ الحکماء قفطی ص ۳۶ -

### سخن درباره سوفسطیقا

#### بمعنی حکمت مموه<sup>۱</sup>

ابن ناعمه ، و متی آنرا بسریانی گردانیده ، و یحیی بن عدی از تیوفیلی<sup>۲</sup> عبری ترجمه کرده است. مفسران آن: قویری تفسیری بر این کتاب دارد. و ابراهیم بن بکوس عشاری از راه اصلاح ترجمه عربی ابن ناعمه، ترجمه از آن عبری در آورد. و کندی نیز این کتاب را تفسیر کرده ، و گفته اند که در موصل تفسیر اسکندر از این کتاب دیده شده است .

### سخن درباره ریطوریکا

#### یعنی خطابه

یک ترجمه قدیمی از آن بدست آمد که گویند اسحاق آنرا عبری در آورد ، و ابراهیم بن عبدالله آنرا ترجمه کرده ، و ابونصر فارابی تفسیری بر آن دارد ، و نوشته از احمد بن طیب دیده ام که ترجمه قدیمی این کتاب در حدود یکصد ورق است .

### سخن درباره ابوطیقا

#### یعنی شعر

ابو بشر متی آنرا از سریانی عبری نقل کرد . و یحیی بن عدی ترجمه از آن دارد ، که گویند متضمن سخنانی از ثامسطیوس نیز میباشد ، و بقولی آن را بثامسطیوس بسته اند. و از این کتاب کندی مختصری در آورده است .

### سخن درباره کتاب السماع الطبیعی

#### بتفسیر اسکندر

#### در هشت مقاله

محمد بن اسحاق گوید : آنچه از تفسیر اسکندر افرویدی موجود است ، مقاله اول

۱ - مموه - چیز مغشوش و ناراست ( فرهنگ نفیسی )  
 ۲ - تیوفیلی ظاهراً منسوب به تیوفیلی مترجم باشد که نامش در اسامی مترجمان ذکر شده است .



از فص<sup>۱</sup> گفتار ارسطو در دو مقاله است و مقاله اول ، و پاره<sup>۲</sup> از مقاله دوم موجود است که ابوروح صابی آنرا ترجمه کرده ، و یحیی بن عدی آن ترجمه را اصلاح نموده است ، و مقاله دوم از فص<sup>۲</sup> گفتار ارسطو را در يك مقاله تفسیر کرده ، که حنین آنرا از یونانی بسریانی در آورد ، و یحیی بن عدی بعربی ترجمه نمود . و شرح مقاله سوم از فص گفتار ارسطو پیدا نمیشود . اما مقاله چهارم را ، در سه مقاله تفسیر کرد ، که مقاله اول و دوم و قسمتی از مقاله سوم آن تا - الکلام فی الزمان ، موجود بوده ، و قسطا آن را ترجمه کرده ، ولی ترجمه<sup>۳</sup> که ظاهراً موجود است ، ترجمه دمشقی است . و مقاله پنجم از گفتار ارسطو را در يك مقاله تفسیر کرده ، که قسطا بن لوقا ترجمه<sup>۴</sup> از آن دارد . و مقاله ششم را در يك مقاله تفسیر کرده ، و قسطا آنرا ترجمه نموده ، و مقاله هشتم در يك مقاله تفسیر کرده ، که چند ورقی از آن موجود است .

### سخن درباره کتاب السماع الطبيعي

#### بتفسیر یحیی نحوی اسکندرانی

محمد بن اسحاق گوید : ترجمه<sup>۵</sup> که قسطا از این کتاب نموده تعالیم آن بوده ، و ترجمه عبدالملیح بن ناعمه ، غیر از تعالیم است . و ترجمه قسطا نیمی از کتاب است . که چهارمقاله بوده ، و نیم دیگر آن ، که چهارمقاله است بترجمه ابن ناعمه میباشد .

### سخن درباره السماع الطبيعي

#### بترجمه گروهی از فلاسفه که متفرقند

تفسیر مقاله اول ، و دوم و سوم و چهارم آن از طرف فرفورئوس ، موجود است ، که بسیل آن را ترجمه نموده ، و ابوبشر متی تفسیری از تفسیر ثامسطیوس از این کتاب بسریانی دارد ، که قسمتی از مقاله اول آن بسریانی موجود است . و ابو احمد بن کرنیب قسمتی از مقاله اول ، و قسمتی از مقاله چهارم را ، تا - الکلام فی الزمان - تفسیر کرده ، و ثابت بن قره قسمتی از مقاله اول را تفسیر کرده ، و ابراهیم بن صلت از مقاله اول این کتاب ترجمه<sup>۶</sup> دارد ، که من آنرا بخط یحیی بن عدی دیده ام .

و ابوالفرج قدامة بن جعفر نیز قسمتی از مقاله اول سماع طبیعی را تفسیر کرده است .

### سخن در باره کتاب السماء والعالم

این کتاب در چهار مقاله است ، و ابن بطریق آنرا ترجمه : وحنین اصلاح کرده است . ابوبشر متی بخشی از مقاله اول را ترجمه کرده ، و اسکندر افرودیسی بخشی از مقاله اول را شرح نموده ، و ثامسطیوس شرحی از تمام کتاب دارد، که یحیی بن عدی آنرا ترجمه یا اصلاح نموده است . حنین نیز در این باره چیزی دارد که همان مسائل شانزدگانه است . و ابوزید بلخی مقدمه این کتاب را برای ابوجعفر حارث<sup>۱</sup> شرح کرده است .

### سخن در باره کتاب الكون والفساد

حنین آنرا بسریانی، و اسحاق . و دمشقی آنرا بعربی برگردانیده، و گفته اند ابن بکوس نیز ترجمه از آن دارد . اسکندر تمام این کتاب را شرح کرده ، و متی آنرا ترجمه نموده ، و قسطامقاله اول آن را ترجمه نموده است . امقیدورس شرحی بر این کتاب دارد که اسطاط ترجمه کرده ، و متی ابوبشر ترجمه از آن دارد که ابوزکریا هنگام نظر آنرا اصلاح کرده است . و در این اواخر، شرحی از ثامسطیوس بر کتاب کون و فساد بدست آمد که یکی بزرک و یکی کوچک است ، و یحیی نحوی شرحی بر تمام کتاب کون و فساد دارد که عربی آن در خوبی پپای سریانی نمیرسد .

### سخن درباره کتاب الاثار العلویه

امقیدورس شرح بزرگی بر آن دارد ، که ابوبشر متی<sup>۲</sup> آنرا ترجمه نموده ، و طبری تعلیقاتی از طرف متی بر آن دارد . و اسکندر آن را شرح کرده که بعربی ترجمه شده و بسریانی ترجمه نشده و پس از اینها یحیی بن عدی آنرا از سریانی بعربی ترجمه کرده است .

۲- ش (الطبری) .

۱- ف (الخازن) .

### سخن درباره کتاب النفس

این کتاب درسه مقاله است . وحنین تمام آنرا بسریانی درآورد ، و اسحاق آنرا ترجمه نمود ، جز مقدار کمی را ، بعد تمام آنرا در نهایت خوبی ترجمه کرد . و ثامسطیوس تمام این کتاب را شرح کرده ، که اولی در دو مقاله ، و دومی در دو مقاله ، و سومی در سه مقاله است .

و بخط یحیی بن عدی خواندم که امقیدورس یکشرح سریانی بر آن دارد ، و يك شرح بسیار خوبی نیز هست که آنرا بسنبلیقوس نسبت میدهند ، که بسریانی بوده ، و برای اثناوالیس شرح کرده است . و عربی آن نیز پیدا میشود . اسکندرانیان<sup>۱</sup> از این کتاب خلاصه دارند که در حدود یکصد ورق است . و ابن بطریق مجموعه از این کتاب درآورد و اسحاق گوید : من این کتاب را از نسخه بسیار بد خطی بعربی ترجمه کردم ، و پس از سی سال يك نسخه بسیار خوبی بدست آوردم که ترجمه اولی را با آن مقابله نمودم ، که همین شرح ثامسطیوس بود .

### سخن درباره کتاب الحس والمحسوس

این کتاب در دو مقاله است . و ترجمه قابل اعتمادی از آن بدست نیامده ، و کسی هم ، بودن چنین ترجمه را ذکر نکرده ، و همینقدر گفته اند که طبری تعلیقات کمی از طرف ابوبشر متی بن یونس بر آن دارد .

### سخن درباره کتاب الحیوان

این کتاب در نوزده مقاله است که ابن بطریق ترجمه نموده ، و ترجمه سریانی آن گاهی پیدا میشود که بهتر از ترجمه عربی است . و بخط یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش خواندم که این کتاب مجموعه هائی از قدیم دارد ، و نبقولاوس نیز آنرا خلاصه کرده است . ابوعلی بن زرعه شروع بترجمه و تصحیح آن بعربی نموده است .

### سخن درباره کتاب الحروف

#### معروف بالاهیات

این کتاب بترتیب حروف یونانیان ، و اولش الف کوچک است . و اسحاق آنرا ترجمه

۱- اسکندرانیان بعلماء حوزه علمی اسکندریه اطلاق میشود (ر.ک. تاریخ علوم عقلی و تمدن اسلامی ص ۱-۸) .



کرد و تا حرف مو-۱-۱ از آن موجود بوده، و ابوزکریا یحیی بن عدی ترجمه نموده است. و حرف نو-۱-۲ در زبان یونانی بتفسیر اسکندر یافت میشود و تمام این حروف را اسطاث برای کندی ترجمه نموده، و سرگذشتی هم دارد. ابوبشر متی مقاله ل- ل- بتفسیر اسکندر را- که یازدهمین حرف است. بعربی در آورده. و حنین بن اسحاق نیز آنرا بسریانی گردانیده، و ثامسطیوس تفسیری از مقاله ل- ل- دارد، که ابوبشر متی آنرا ترجمه نمود، و شملی نیز ترجمه از آن دارد. و اسحاق بن حنین، چندین مقاله آنرا ترجمه کرده، و سوریا نوس، مقاله ب- ب- را، ترجمه نموده، و عربی آن در دست است. و من این را بخط یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش دیده‌ام. و از کتابهای ارسطو، که یحیی بن عدی در فهرست کتابهایش ذکر کرده: کتاب الاخلاق - بتفسیر فرفور یوس، دوازده مقاله. بتفسیر اسحاق بن حنین است. و نزد ابوزکریا چندین مقاله بتفسیر ثامسطیوس، بخط اسحاق بن حنین بود. که سریانی آن در دست است. کتاب المرآة - ترجمه حجاج بن مطر - کتاب اثولوجیا<sup>۳</sup>، و آنرا کندی تفسیر کرده است.

### ثاوفر سطس

یکی از شاگردان، و پسر خواهر ارسطو، و از اوصیائی بود که ارسطو برگزیده و در دارالتعلیم پس از وفات ارسطو جانشین وی گردیده، و این کتابها از اوست: کتاب النفس - یکمقاله. کتاب الاثار العلویه - یکمقاله. کتاب الادب - یکمقاله. کتاب الحس والمحسوس - چهارمقاله. و ابراهیم بن بکوس، آنرا ترجمه نمود. کتاب ما بعد الطبیعه - یکمقاله، بتفسیر ابوزکریا یحیی بن عدی. کتاب اسباب النبات - بتفسیر ابراهیم بن بکوس. و تفسیر بخشی از مقاله اول آن بدست آمده. و باو نسبت داده اند که کتاب قاطیغوریاس را نیز تفسیر کرده است.

### دید و خس بر قلس افلاطونی

از مردم اطاطریه<sup>۴</sup> و یحیی نحوی در مقاله اول از ردی که بر او دارد گوید: او در

۱-۲- حروف یونانی است. ۳- Theologie - ربوبیت.

۴- در کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف استاد دکتر صفا دیدخس، بیزنطی

از مردم لیکیه ذکر شده است (ر.ک. کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۰۱).

دوره دقلطیانوس قبطی، بلکه در آغاز سیصدمین سال پادشاهی او، زندگانی میکرد، و صحیح هم همین است.<sup>۱</sup>

کتاب حدود اوائل الطبيعيات. کتاب الثمانية عشر مسألة، و يحيى نحوى ردی بر آن دارد. کتاب شرح قول فلاطن ان النفس غير مائة<sup>۲</sup> سه مقاله. کتاب الثالوجيا يعنى ربوبيت. کتاب تفسیر وصايا فيثا غورس الذهبية - در حدود یکصد ورق، و سریانی آن، که برای دخترش تألیف کرده بود یافت میشود، و ثابت سه ورق از آن را ترجمه کرده بود که از دنیا رفت و ناتمام ماند. کتاب الجواهر العالیه - یکمقاله. کتاب برقلس فی الشعر مسائل<sup>۳</sup>، و برقلس را دیادوخس، یعنی عقیب افلاطن نامند. کتاب الحیز الاول. کتاب المسائل الشعر المعضلات. کتاب الجزء الذى لا يتجزى. کتاب فی المثل الذى قاله فلاطن فی کتابه المسمى غورغياس - در سریانی است. کتاب تفسیر المقالة العاشرة فی السير. که سریانی آن در دست است. کتاب برقلس الافلاطونى موسوم - بسطوخوسیس الصغرى. کتاب برقلس فی تفسیر فادن فی النفس. بسریانیست، و ابوعلی بن زرعه بخش کمی از آنرا به عربی در آورده است.

### اسکندر افرودیسی

در دوره ملوک الطوائفی، پس از اسکندر بود، و جالینوس را دیده و با او معاشرت داشته، و او را رأس البغل لقب داده، و در میان نشان کینه‌ها و ستیزه‌هایی بود، و ما کتابهایی را که او در شرح کتاب ارسطو داشت، ضمن اخبار ارسطو ذکر کرده‌ایم. ابوزکریا یحیی بن عدی گوید: من شرح اسکندر را بر تمام کتاب السماع، و کتاب البرهان، در میراث ابراهیم بن عبدالله ناقل نصرانی دیدم و هر دو را بیکصد و ده دینار بمن عرضه داشتند، من هم رفتم که برای یافتن آن دینارها شیوه بکار برم و همینکه برگشتم دیدم آنها را با کتابهای دیگر بیک مرد خراسانی بسه هزار دینار فروخته‌اند. و شخص دیگری غیر از او که مورد اعتماد است بمن گفت این دو کتاب در آستین جا میگرفت و قابل حمل بود.

ابوزکریا گوید: من از ابراهیم بن عبدالله خواهش کرده بودم که فص سوفسطیقا، و فص الخطابیه، و فص الشعر، ترجمه اسحاق را در پنجاه دینار بمن دهد، و او فروخت و هنگام مرگ آنها را در آتش انداخت. تألیفات اسکندر: کتاب النفس - یکمقاله. کتاب الرد علی جالینوس فی التمکن - یکمقاله. کتاب الاصول العامة - یکمقاله. کتاب عکس المقدمات -

۱- ف- این قسمت را ضمن رد یحیی نحوی بر کتاب الثمانية عشر مسئله آورده است.  
 ۲- ف- (غیرمائییه) ش- بی نقطه و در اخبار الکحماء قفطی- غیرمائییه - است (ر، ک).  
 اخبار الکحماء ص ۷۹.)  
 ۳- در ترجمه پس و پیشی در ذکر این کتاب شده است.



یکمقاله. کتاب مبادی الكل على رأى ارسطاليس. كتاب فى ان الموجود ليس مجنس للمقولات. العشر - (یکمقاله) كتاب العنايه - یکمقاله. كتاب الفرق بين الهيولى والجنس. كتاب الرد على من قال انه لا يكون شئى الامن شئى. كتاب فى ان الابصار لا يكون الا بشعاعات تنبث من العين والرد على من قال بانبثاث الشعاع - یکمقاله. كتاب اللون - یکمقاله. كتاب الفصل على رأى ارسطاليس - یکمقاله. كتاب المالىخولياء - یکمقاله.

### فر فور یوس

پس از اسکندر و پیش از امونیوس است، و از مردم شهر صور<sup>۱</sup>، و بعد از جالینوس بود. و کتابهای ارسطو را - چنانکه در جای خود گفته ایم - تفسیر نموده، و جز آنها، این کتابها از اوست:

کتاب ایساغوجی فى المدخل الى الكتب المنطقية. کتاب المدخل الى القياسات الحملية. ترجمه ابو عثمان دمشقى. کتاب العقل والمعقول - بترجمه از قدیم. کتابين له الى انا بوا<sup>۲</sup>. کتاب الرد على نيحسوس<sup>۳</sup> فى العقل والمعقول - هفت مقاله بسريانى. کتاب الاسطقات - یکمقاله بسريانى. کتاب اخبار الفلاسفة. و مقاله چهارم آنرا که بسريانى بود من دیده ام.

### امونیوس

اسحاق بن حنین در تاریخ خود گوید: که او از فلاسفه بعد از جالینوس بود، و کتابهای ارسطو را شرح کرده، و ما در ضمن بیان کتابهای ارسطو بآن اشاره نمودیم. جز آنها، این کتابها نیز از اوست: کتاب شرح مذاهب ارسطاليس فى الصانع. کتاب فى اغراض ارسطاليس فى كتبه. کتاب حجة ارسطاليس فى التوحيد.

### تامسطیوس

وی منشی و کاتب لیولیانس بود که بعد از جالینوس از نصرانیت بمذهب فلاسفه برگشت و مادر بیان کتابهای ارسطو اشاره بشرحهای او از کتابهای ارسطو نمودیم، و این کتابها نیز از اوست: کتاب الى ليولانس فى التدبير. کتاب النفس - در دو مقاله. رسالة الى ليولانس الملك.

۱ - صور - شهر مشهوریست که مشرف ببحر الشام است و در دوران عمر بن خطاب فتح

گردید (معجم البلدان) ۲ - ف (کتابان الى انا بوا) ۳ - ش (لیحسوس).



### نیقولاًوس

مفسر کتابهای ارسطو، که ما در جای خود تفسیرهای او را نیز ذکر نمودیم و جز آنها این کتابها نیز از اوست: کتاب فی جمل فلسفة ارسطاليس فی النفس - یکمقاله، کتاب النبات - چند مقاله از آن در دست است. کتاب الرد علی جاعل الفعل والمفعولات شيئاً واحداً. کتاب اختصار فلسفة ارسطاليس.

### فلو طر خس

کتاب الاراء الطبيعية . مشتمل بر آراء فلاسفه در امور طبیعیات ، در پنج مقاله ، که قسطابن لوقا بعلبکی آنرا ترجمه کرده است . کتاب الی موریالیا فی مادله علیه من مداراة العدو والانتفاع به . کتاب الفضب . کتاب الرياضة - یکمقاله بسریانی . کتاب النفس .

### امقیدورس

مفسر کتابهای ارسطو ، بود و ما در جای خود اشاره بتفسیرهای او نموده ایم . و جز آنها از وی کتابی در موضوعات دیگر بدست نیاورده ایم .

### دیافرطیس

بنوشته یحیی بن عدی : رسالته الی ديمقراطیس فی اثبات الصانع .

### انافرو دیطوس - و کتابهایی که دارد

بخط یحیی بن عدی خوانده ام : کتاب تفسیر کلام ارسطاليس فی الهالة و قوس قزح - بترجمه ثابت بن قره .

### فلو طر خس دیگر

و از کتابهای اوست : کتاب الانهار و خواصها وما فیها من العجائب والجبال وغير ذلك .

### اخبار یحییٰ نحوی

یحییٰ شاگرد ساواری ، و در بعضی از کلیساهای مصر اسقف بود ، و مذهب نصرانیان یعموبی را داشت ، و بعد از عقیده نصاری در تثلیث برگشت . کشیشان جمع شده و با وی بمناظره درآمدند ، که بر آنها پیروز گردید ، آنان از راه خواهش و تمنا پیش آمده ، و از وی خواستند که از آن عقیده دست بردار و اظهاراتی نداشته باشد وی پایداری نموده ، و از عقیده خود رجوع نکرد . و آنها هم ویرا برکنار کردند ، زمانیکه عمروعاص مصر را گشود ، در حیات بود<sup>۱</sup> و نزد عمروعاص رفت ، و او گرامیش داشته و منزلتی برایش قائل گردید . و بر کتابهای ارسطو تفسیرهایی دارد که ما در جای خود ذکر کرده ایم . و بجز آنها ، این کتابها نیز از اوست : کتاب الرد علی برقلس - هجده مقاله . کتاب فی ان کل جسم متناهی ففوته متناهیة - یکمقاله . کتاب الرد علی ارسطالیس - شش مقاله . کتاب تفسیر ما بال لارسطالیس العاشر - مقاله یرد فیها علی نسطورس . کتاب یرد فیها علی قوم لایعترفون - دو مقاله و مقاله هم در رد اشخاص دیگر . و بر کتابهای پزشکی جالینوس نیز تفسیرهایی دارد که ما در شرح حال جالینوس ، بآنها اشاره خواهیم کرد .

یحییٰ نحوی در مقاله چهارم از تفسیریکه بر کتاب السماع الطبیعی دارد ، در الکلام فی الزمان - مثالی آورده ، و گوید : مانند همین سال ما ، که سیصد و چهل سه دقلطیانوس قبطلی است . و از این بیان چنین فهمیده میشود که فاصله میان ما و یحییٰ نحوی سیصد سال و اندی بوده ، و ممکن است که در اوائل حیاتش باین تفسیر پرداخته زیرا در دوره عمروعاص حیات داشته است<sup>۲</sup> .

### نام فلاسفه طبیعیین

که زمان و مراتبشان مجهول است

ارسطان - مؤلف کتاب النفس . بیطوالس - مؤلف کتاب اسرار الطبیعه ، در یکمقاله . طور یوس ، مؤلف . کتاب الرؤیا ، در یکمقاله . ارطامیدورس صاحب کتاب الرؤیا - مؤلف کتاب

۱ - ش - در میان کلمه یحییٰ و نحوی بخط دیگر دارد (بن عسدی) .

۲ - زندگی یوحنا فیلوبونوس اسکندرانی که نزد مسلمین بیحییٰ نحوی اسکندرانی معروف شده ، هنگام فتح مصر بدست سیاحیان عرب ( ۶۲۴ میلادی ) مورد تردید است یحییٰ از شاگردان امونیوس پسر هرمیاس ( او آخر قرن پنجم ) رئیس یکی از مدارس اسکندریه . و از افلاطونیون جدید بود ، و در نیمه اول قرن ششم شهرت بسیار داشت . بنابراین زنده بودنش در اواسط قرن هفتم دور از عادت است . ( بامختصر تفاوتی از تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۰۳ نقل شد ) .

۳ - ظاهراً ابن ندیم در باره حیات یحییٰ در دوره عمروعاص باین قسمت اتکاء داشته است .

تفسیر الرؤیا ، در پنج مقاله ، بترجمه حنین بن اسحاق ، فرفوربوس ، اسقف نوسا - مؤلف کتاب طبیعه الانسان . بظلمیوس غریب ، از مجبان ارسطو ، و ناشر محاسن او - مؤلف اخبار ارسطاليس و وفاته و مراتب کتب . ثاون - از طرفداران جدی افلاطون - مؤلف کتاب مراتب قرائة کتب فلاطون و اسماء ماصنفه . و در پشت يك کتابچه بخط بسیار قدیمی دیدم که نوشته بود : نام کسانی که کتابهای فلاسفه را در منطق و سایر موضوعات فلسفی تفسیر کرده اند . ثاوفرستس . اودیمس . ارمینس . یوانیوس . ایامیلخس . اسکندر . ثامسطیوس . فرفوربوس . سنبلیقس . سوریانوس . ما کسیمس . ارامیس . لوقیس . نیتسراطس . فلوطینس .

### اخبار کندی

ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن صباح بن عمران بن اسماعیل بن محمد بن اشعث بن قیس بن کندی بن معدیکرب بن معاویة بن جبلة بن عدی بن ربیعة بن معاویة بن حارث بن معاویة بن کنده ، و او ، ثور بن مرتع بن عدی بن حارث بن مرة بن ادبن زید بن همیسع بن زید بن کهلان بن سباین یشجب بن یعرب : فاضل دهر ، و یگانه دوران خود در دانستن تمام علوم قدیمه بود . ویرا فیلسوف عرب میخواندند . و کتابهایی در علوم گوناگون ، چون منطق ، فلسفه ، هندسه ، حساب ، ارثمسطیقی ، موسیقی ، نجوم ، و جز اینها ، دارد ، و مرد بسیار بخیل و باخاستی بود .

و اینکه ما او را پیوست بفلاسفه طبیعیین آورده ایم ، برای رعایت تقدم و موقعیت او در علم بوده ، و در اینجا تمام تصنیفات او را ذکر مینمائیم .

### نام کتابهای او در فلسفه

کتاب الفلسفة الاولى فیما دون الطبيعيات والتوحيد . کتاب الفلسفة الداخلة والمسائل المنطقية والمعتاصة وما فوق الطبيعيات . کتاب رسالته فی انه لاتنال الفلسفة الا بعلم الرياضيات . کتاب الحث علی تعلم الفلسفة . کتاب ترتیب کتب ارسطاليس . کتاب فی قصد ارسطاليس فی المقولات ایاها قصداً والموضوعة لها . کتاب مائیه العلم و اقسامه . کتاب اقسام العلم الانسی . کتاب رسالته الكبرى فی مقیاسه العلمی . کتاب رسالته بايجاز فی مقیاسه العلمی . کتاب فی ان افعال الباری جل اسمه كلها عدل لاجورفیهها . کتاب فی مائیه الشئی الذی لانهایه له وبائی نوع یقال لانهایه له . کتاب رسالته فی الابانة انه لا یمكن ان یكون جرم العالم بلانهایه و ان ذلك انما هو فی القوة . کتاب فی الفاعلة والمنفعلة من الطبيعيات الاولى . کتاب فی عبارات الجوامع الفكرية . کتاب مسائل سئل عنها فی منفعه الرياضات . کتاب فی بحث قول المدعی



ان الاشياء الطبيعية تفعل فعلا واحداً بايجاب الخلقة ، كتاب فى اوائل الاشياء المحسوسة .  
رسالته فى الترفق فى الصناعات ، رسالته فى رسم رقاع الى الخلفاء والوزراء . رسالته فى -  
قسمة القانون . رسالته فى مائة العقل والابانة عنه .

### کتابهای او در منطقیات

کتاب رسالته فى المدخل المنطقى باستيفاء القول فيه . کتاب رسالته فى المدخل -  
المنطقى باختصار وايجاز . کتاب رسالته فى المقولات العشر . کتاب رسالته فى الابانة عن قول  
بطلمیوس فى اول كتابه (فى) المجسطى عن قول ارسطاليس فى انالوطيقا . (کتاب رسالته فى -  
اختيار الكتب الاربعة) . کتاب رسالته فى الاحتراس من خدع السوفسطائين . کتاب رسالته  
بايجاز و اختصار فى البرهان المنطقى . کتاب رسالته فى الاصوات الخمسة . کتاب رسالته  
فى سمع الكيان . کتاب رسالته فى عمل آلة مخرجة الجوامع .

### کتابهای او در حسابيات

کتاب رسالته فى المدخل الارتماطيقى - پنج مقاله ، کتاب رسالته فى استعمال الحساب  
الهندى . چهار مقاله . کتاب رسالته فى الابانة عن الاعداد التى ذكر فلاطن فى كتابه السياسة .  
کتاب رسالته فى تأليف الاعداد . کتاب رسالته فى التوحيد من جهة العدد . کتاب رسالته فى  
استخراج الخبيئى والضمير . کتاب رسالته فى الزجر والقال من جهة العدد . کتاب رسالته  
فى الخطوط والضرب بعدد الشعير . کتاب رسالته فى الكمية المضافة . کتاب رسالته فى النسب  
الزمانية . کتاب رسالته فى الحيل العددية وعلم اضمارها (کتاب الدوار و همزح - قديمى و  
در نهايت نيکوئى .....<sup>۱</sup>) .

### کتابهای او در کريات<sup>۲</sup>

کتاب رسالته فى ان العالم وكلما فيه كرى الشكل . کتاب رسالته فى الابانة عن انه ليس  
شئ من العناصر الاولى والجرم الاقصى غير كرى . کتاب رسالته فى ان الكرة اعظم الاشكال -  
الجرمية والدائرة اعظم من جميع الاشكال البسيطة . کتاب رسالته فى ان سطح ماء البحر  
كريا . کتاب رسالته فى تسطيح الكرة . کتاب رسالته فى الكريات . کتاب رسالته فى عمل -  
السمت على كرة . کتاب رسالته فى عمل الحلق الست و استعمالها .

۱- ش - کلمه دارد غير مفهوم که بجای آن نقطه گذاشتيم و بخط نویسنده کتاب نیست .

۲- ف (الكريات) .

### کتابهای او در موسیقیات

کتاب رسالته الكبرى فی التألیف . کتاب رسالته فی ترتیب النغم الدالة علی طبایع الاشخاص العالیه و تشابه التألیف . کتاب رسالته فی الايقاع . کتاب رسالته فی المدخل الی صناعة الموسيقى . کتاب رسالته فی خبر صناعة التألیف . کتاب رسالته فی صناعة الشعر . کتاب رسالته فی الاخبار عن صناعة الموسيقى .

### کتابهای او در نجومیات

کتاب رسالته فی ان رؤیة الهلال لا تضبط بالحقیقة و انما القول فیها بالتقریب . کتاب رسالته فی مسائل سئل عنها من احوال الكواكب . کتاب رسالته فی جواب مسائل طبیعیة فی کیفیات نجومیة . کتاب رسالته فی مطرح الشعاع . کتاب رسالته فی الفصلین . کتاب رسالته فیما ینسب الیه کل بلد من البلدان الی برج من البروج و کوكب من الكواكب . کتاب رسالته فیما سئل عنه من شرح ما عرض له الاختلاف فی صور الموالید . کتاب رسالته فیما حکى من اعمار الناس فی الزمن القدیم و خلافها فی هذا الزمن . کتاب رسالته فی تصحیح عمل نمودارات الموالید والهیلج والکدخداء . کتاب رسالته فی ایضاح علة رجوع الكواكب . کتاب رسالته فی سرعة ما یرى من حركة الكواكب اذا كانت فی الافق و ابطاؤها کما علت . کتاب رسالته فی الابانة عن الاختلاف الذی فی الاشخاص العالیة . کتاب رسالته فی الشعاعات . کتاب رسالته فی فصل ما بین التسییر و عمل الشعاع . کتاب رسالته فی علل الاوضاع النجومیة . کتاب رسالته الی الاشخاص العالیة المسماة سعادة و نحاسة . کتاب رسالته فی علل القوى المنسوبة الی الاشخاص العالیة الدالة علی المطر . کتاب رسالته فی علل احداث الجو . کتاب رسالته فی العلة التی لها یكون بعض المواضع لا تکاد تمطر .

### کتابهای او در هندسیات

کتاب رسالته فی اغراض کتاب اقلیدس . کتاب رسالته فی اصلاح کتاب اقلیدس . کتاب رسالته فی اختلاف المناظر . کتاب رسالته فیما نسب القدماء کل واحد من المجسمات الخمس الی العناصر . کتاب رسالته فی تقریب قول ارشمیدس فی قدر قطر الدائرة من محیطها . کتاب



رسالته في عمل شكل الموطبين . كتاب رسالته في تقريب و ترالدائرة . كتاب رسالته في تقريب وترالتسع . كتاب رسالته في مساحة ايوان . كتاب رسالته في تقسيم المثلث والمربع و عملها . كتاب رسالته في كيفية عمل دائرة مساوية لسطح اسطوانة مفروضة . كتاب رسالته في شروق الكواكب و غروبها بالهندسة . كتاب رسالته في قسمة الدائرة ثلاثة اقسام . كتاب رسالته في اصلاح المقالة الرابعة عشر و الخامسة عشر من كتاب اقليدس . كتاب رسالته في البراهين المساحيه لما يعرض من الحسابات الفلكية . كتاب رسالته في تصحيح قول اسقلاوس في المطالع . كتاب رسالته في اختلاف مناظر المرآة . كتاب رسالته في صنعة الاسطرلاب بالهندسة . كتاب رسالته في استخراج خط نصف النهار و سمت القبلة بالهندسة . كتاب رسالته في عمل الرخامة بالهندسة . كتاب رسالته في استخراج الساعات على نصف كرة بالهندسة . كتاب رسالته في السوانح . كتاب رسالته في عمل الساعات على صفيحة تنصب على السطح الموازي للافق خير من غيرها .

### كتابهائ او در فلكيات

كتاب في امتناع وجود مساحة الفلك الاقصى المدبر للافلاك . كتاب رسالته في ظاهريات الفلك . كتاب رسالته في ان طبيعة الفلك مخالفة لطبائع العناصر الاربعة و انه طبيعة خامسة . كتاب رسالته في العالم الاقصى . كتاب رسالته في سجود الجرم الاقصى لباريه . كتاب رسالته في الرد على المنانية في العشر مسايل في موضوعات الفلك . كتاب رسالته في الصور . كتاب رسالته في انه لا يمكن ان يكون جرم العالم بلانهاية . كتاب رسالته في المناظر الفلكية . كتاب في امتناع الجرم الاقصى من استحالة . كتاب رسالته في صناعة بطلميوس الفلكية . كتاب رسالته في تنامي جرم العالم . كتاب رسالته في المعطيات . كتاب رسالته في مائة الفلك واللون اللازم الازوردي المحسوس من جهة السماء . كتاب رسالته في مائة الجرم الحامل بطباعه للالوان من العناصر الاربعة . كتاب رسالته في البرهان على الجسم السائر و مائة الاضواء والاطلام .

### كتابهائ او در طبيات

كتاب رسالته في الطب البقراطي . كتاب رسالته في الغذاء والدواء المهلك . كتاب رسالته



فی الابخرة المصلحة للجو من الاوباء . كتاب رسالته فی الادوية المشفية من الروائح الموزية .  
 كتاب رسالته فی كيفية اسهال الادوية و انحدارا الاخلاط . كتاب رسالته فی علة نفث الدم .  
 كتاب رسالته فی اشفية السموم . كتاب رسالته فی تدبير الاصحاء . كتاب رسالته فی علة بحارين  
 الامراض الحادة . كتاب رسالته فی نفس العضو الرئيس من الانسان والابانة عن الانسان<sup>۲</sup> .  
 كتاب رسالته فی كيفية الدماغ . كتاب رسالته فی علة الجذام و اشفيتها . كتاب رسالته فی عضة  
 الكلب الكلب . كتاب رسالته فی الاعراض الحادثة من البلغم و علة موت الفجأة . كتاب رسالته  
 فی وجع المعدة والنقرس . كتاب رسالته الى رجل فی علة شكاها اليه . كتاب رسالته فی اقسام  
 الحميات . كتاب رسالته فی علاج الطحال الجاسي من الاعراض السوداوية . كتاب رسالته  
 فی اجساد الحيوان اذا فسدت . كتاب رسالته فی قدر منفعة صناعة الطب . كتاب رسالته فی صنعة  
 اطعمة من غير عناصرها . كتاب رسالته فی تغير<sup>۳</sup> الاطعمة .

### کتابهای او در احکامیات<sup>۲</sup>

كتاب رسالته فی تتدمة المعرفة بالاستدلال بالاشخاص العالیه علی المسائل . كتاب  
 رسالته الاوله والثانية والثالثة الى صناعة الاحكام بتقاسيم . كتاب رسالته فی مدخل الاحكام  
 علی المسائل . كتاب رسالته فی المسائل . كتاب رسالته فی دلائل النحسين فی برج السرطان .  
 كتاب رسالته فی قدر منفعة الاختيارات . كتاب رسالته فی قدر منفعة صناعة الاحكام و من  
 الرجل المسمى منجماً باستحقاق . كتاب رسالته المختصرة فی حدود المواليده . كتاب رسالته  
 فی تحویل سنی المواليده . كتاب رسالته فی الاستدلال بالكسوفات علی الحوادث .

### کتابهای او در جدلیات

كتاب رسالته فی الرد علی المنانیه . كتاب رسالته فی الرد علی الثنویة . كتاب رسالته  
 فی الاحتراس من خدع السوفسطائیین<sup>۴</sup> . كتاب رسالته فی نقض مسائل الملحدين . كتاب رسالته  
 فی تثبیت الرسل علیهم السلام . كتاب رسالته فی الفاعل الحق الاول التام و الفاعل الثاني  
 بالمجاز . كتاب رسالته فی الاستطاعة و زمان كونها . كتاب رسالته فی الرد علی من زعم ان للاجرام

۱- ف (وانجذاب) . ۲- ف (... والابانة عن الالباب) .

۳- مراد احكام نجومی است . ۴- ظاهراً مکرراً . و در ضمن کتابهای

فلسفی آمده .

هويتها في الجوتوقفات . كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان بين الحركة الطبيعية والعرضية سكون . كتاب رسالته في ان الجسم في اول ابداعه لساكن ولا متحرك ظن باطل . كتاب رسالته في التوحيد بالتفسيرات<sup>١</sup> . كتاب رسالته في بطلان قول من زعم ان جزاء لا يتجزى . كتاب رسالته في جواهر الاجسام . كتاب رسالته في اوائل الجسم . كتاب رسالته في افتراق الملل في التوحيد و انهم مجمعون على التوحيد و كل قد خالف صاحبه . كتاب رسالته في التمجيد . كتاب رسالته في البرهان .

### كتابهائ او در نفسيات

كتاب رسالته في ان النفس جوهر بسيط غير دائر موثر في الاجسام . كتاب رسالته في مائة الانسان والعضو الرئيس منه . كتاب رسالته في خبر اجتماع الفلاسفة على الرموز العشقية . كتاب رسالته فيما للنفس ذكره وهي في عالم العقل قبل كونها في عالم الحس . كتاب رسالته في علة النوم والرؤيا و ما يرمز به النفس .

### كتابهائ او در سياسيات

كتاب رسالته الكبرى في السياسة . كتاب رسالته في تسهيل سبل الفضائل . كتاب رسالته في دفع الاحزان . كتاب رسالته في سياسة العامة . كتاب رسالته في الاخلاق . كتاب رسالته في التنبيه على الفضائل . كتاب رسالته في خبر فضيلة سقراط . كتاب رسالته في الفاظ سقراط . كتاب رسالته في محاورة جرت بين سقراط وارثيجانس . كتاب رسالته في خبر موت سقراط . كتاب رسالته فيما جرى بين سقراط والحراس<sup>٢</sup> . كتاب رسالته في خبر العقل .

### كتابهائ او در احداثيات

كتاب رسالته في الابانة عن العلة الفاعلة القريبة للكون والفساد في الكائنات الفاسدات . كتاب رسالته في العلة التي لها قيل ان النار والهواء و الماء والارض عناصر لجميع الكائنة الفاسدة وهي وغيرها يستحيل بعضها السى بعض . كتاب رسالته في اختلاف الازمنة التي يظهر فيها قوى الكيفيات الاربع الاولى . كتاب رسالته في النسب الزمانية . كتاب رسالته في علة اختلاف انواع السنة . كتاب رسالته في مائة الزمان والحين والدهر . كتاب رسالته في العلة التي لها يبردا على الجو ويسخن ما قرب من الارض . كتاب رسالته في احداث الجو . كتاب رسالته في الاثر الذي يظهر في الجو ويسمى كوكبا . كتاب رسالته في كوكب الذوابة . كتاب رسالته

١- ف (بتفسيرات) . ٢- ف (والحرانيين) .



فی الکوکب الذی ظهر<sup>۱</sup> و رصده ایما ما حتی اضمحل . کتاب رسالته فی علة البرد المسمى ببرد العجوز . کتاب رسالته فی علة کون الضباب والاسباب المحدثه له فی اوقاته . کتاب رسالته فیما رصد من الاثر العظیم فی سنة اثنتین و عشرين و مائتین للهجرة .

### کتابهای او در ابعادیات

کتاب رسالته فی ابعاد مسافات الاقالیم . کتاب رسالته فی المساکن . کتاب رسالته الکبری فی الربع المسکون . کتاب رسالته فی اخبار ابعاد الاجرام . کتاب رسالته فی استخراج بُعد مرکز القمر من الارض . کتاب رسالته فی استخراج آلة و عملها یتخرج بها ابعاد الاجرام . کتاب رسالته فی عمل آلة یعرف بها بُعد المعاینات . کتاب رسالته فی معرفة ابعاد قلال الجبال .

### کتابهای او در تقدّمیات

کتاب رسالته فی اسرار تقدمة المعرفة . کتاب رسالته فی تقدمة المعرفة بالاحداث . کتاب رسالته فی تقدمة الخبر . کتاب رسالته فی تقدمة الاخبار . کتاب رسالته فی تقدمة المعرفة فی الاستدلال بالاشخاص السماویة .

### کتابهای او در انواعیات

کتاب رسالته فی انواع الجواهر الثمينة و غيرها . کتاب رسالته فی انواع الحجارة . کتاب رسالته فی تلویح الزجاج . کتاب رسالته فیما یصنع فیعطی لونا . کتاب رسالته فی انواع السیوف والحديد . کتاب رسالته فیما یطرح علی الحديد والسیوف فلا<sup>۲</sup> تنثلم ولا تکل . کتاب رسالته فی الطائر الانسی . کتاب رسالته فی تمریح<sup>۳</sup> الحمام . کتاب رسالته فی الطرح علی البیض . کتاب رسالته فی انواع النحل و کرائمه . کتاب رسالته فی عمل القمقم النباح . کتاب رسالته فی العطر و انواعه . کتاب رسالته فی کیمياء العطر . کتاب رسالته فی صنعة اطعمة من غیر عناصرها<sup>۴</sup> . کتاب رسالته فی الاسماء المعماة . کتاب رسالته فی التنبيه علی خدع الكیمیائیین . کتاب رسالته فی ارکان الحیل . کتاب رسالته الکبيرة فی الاجرام الغائصة فی الماء . کتاب رسالته فی الاثرین المحسوسین فی الماء . کتاب رسالته فی المدو الجزر . کتاب رسالته فی الاجرام الهابطة . کتاب رسالته فی عمل المرايا المحرقة . کتاب رسالته فی سعار المرأة . کتاب رسالته فی اللفظوهی ثلاثة اجزاء اول وثانی وثالث . کتاب رسالته فی الحشرات مصور عطار دی .

۱- ف (یظهر) .

۲- ف (حتى لا) .

۳- ف (تمویخ) .

۴- ظاهراً مکرر است و در طبیات آمده .



کتاب رسالته فی علم حدوث الرياح فی باطن الارض المحدثه کثیر الزلازل والخسوف<sup>۱</sup>. کتاب رسالته فی جواب اربع عشر مسئله طبیعیات سئل عنها بعض اخوانه. کتاب رسالته فی جواب ثلاث مسائل سئل عنها. کتاب رسالته فی قصة المتفلسف بالسکوت. کتاب رسالته فی علة الرعد والبرق والثلج والبرد والصواعق والمطر. کتاب رسالته فی بطلان دعوی المدعیین صنعة الذهب والفضة و خدعهم. کتاب رسالته فی الوفاء. کتاب رسالته فی الابانة ان الاختلاف الذی فی- الاشخاص العالیة لیس علة کیفیات الاولی كما هی علة ذلك فی التی تحت الکون والفساد.

### شاگردان ووراقان کندی

حسنویه، نبطویه، سلمویه، و یکنفر دیگر بهمین وزن. و از شاگردان او احمد بن طیب است که ذکرش خواهد آمد، و ابومعشر از او آموخته است.

### احمد بن طیب

ابوالعباس احمد بن محمد بن مردان سرخسی، از منسوبان کندی است، که بر وی قرائت داشته، و از وی آموخته، و برای بستگی که بکندی دارد، ویرا در اینجا ذکر نمودیم. وی در بسیاری از علوم باستانی و عرب متفنن، و دارای معرفتی نیکو، و قریحه سرشار، و تصنیفات و تألیفات خوبی بود. در ابتداء آموزگار معتضد، سپس از ندماء و خاصان او گردید، و معتضد رازهای درونی خوی را بوی میگفت. و در کارهای مملکت با وی مشورت میکرد، ولی دانش وی بر عقلش فزونی داشت، و همین بستگی بمعتضد منجر بقتلش گردید، زیرا معتضد رازی را که ارتباط بقاسم بن عبدالله، و بدر، غلامش داشت باو گفته بود، و بر اثر حيلة که قاسم بکار برده و مشهور است، آن راز برملا و آشکار گردید، و از این جهة معتضد او را در اختیار آن دونفر گذاشت، و آنها هم پس از تصفیه اموالش، ویرا بزندان انداختند. و در هنگامیکه معتضد برای فتح آمد و جنگ با احمد بن عیسی بن شیخ حرکت کرد، گروهی از خوارج و زندانیان دیگر از زندان فرار کردند، و مونس الفحل رئیس شرطه، که در غیاب معتضد کارها را رسیدگی مینمود، همه را دانه دانه دستگیر ساخت. احمد از جای خود حرکت نکرده بود باین امید که وسیله نجاتش بشود، ولی همین کار سبب قتلش گردید، زیرا معتضد بقاسم دستور داد صورتی از نام کسانی که استحقاق

مرگ دارند تهیه نماید ، تا از نگرانی قلبی درباره آنها درآید ، قاسم آن صورت را تهیه و بامضاء معتضد رسانید ، و پس از امضاء نام احمد را در آن گنجانیده ، و او نیز کشته شد . وقتی که معتضد جوای او شد ، قاسم خبر کشته شدنش را داده و آن صورت را مقابلش گذاشت ، و او هم انکار نکرد ، و بدینگونه کسی که در بلندی جاه و مقام با آسمان رفته بود ، در سال ... سرنگون گردید . و این کتابها از اوست : کتاب مختصر قاطیفوریاس . کتاب مختصر کتاب بارمیناس . کتاب مختصر انالوطیقا الاول . کتاب مختصر انالوطیقاالثانی . کتاب الاعشاش و صناعة الحسبة الكبير . کتاب عش الصناعات والحسبة الصغير . کتاب نزهة النفوس - که تمامی آن در دست نیست . کتاب اللهو والملاهی - درغنا و مغنیان و منادمت و مجالست و انواع سرگذشتهای شیرین و نمکین . کتاب السياسة الكبير . کتاب السياسة الصغير . کتاب المدخل الى صناعة النجوم . کتاب الموسيقى الكبير - در دو مقاله که بخوبی و جلالت آن تألیف نشده است . کتاب الموسيقى الصغير . کتاب الارتماطیقی - در عدد و جبر و مقابله . کتاب المسالك والممالك . کتاب الجوارح والصيد بها . کتاب المدخل الى صناعة الطب ودر آن ردی برحنین بن اسحاق دارد . کتاب المسائل . کتاب فضائل بغداد و اخبارها . کتاب الطبیخ - و آنرا برای معتضد روی ماهها و روزها ، تألیف کرد . کتاب زادالمسافر وخدمة الملوك - دو مقاله نازک . کتاب المدخلی الى علم الموسيقى . کتاب آداب الملوك . کتاب الجلساء والمجالسة . کتاب رسالته فی جواب ثابت بن قره فیما سئل عنه . کتاب مقالته فی النمش والكف . کتاب رسالته فی السالکین<sup>۱</sup> و طریف اعتقاد العامة . کتاب منفعة الجبال . کتاب رسالته فی وصف مذاهب الصابئین . کتاب فی ان المبدعات فی حال الابداع لامتحركة ولا ساكنة .

### قویری

نامش ابراهیم و کنیه اش ابواسحاق . از کسانی است که منطق را از وی میآموختند . و در شمار مفسران بود ، و ابوبشر متی بن یونس<sup>۲</sup> بر وی قرائت داشت . این کتابها از اوست . کتاب تفسیر قاطیفوریاس - مشجر . کتاب بارمیناس - مشجر . کتاب انالوطیقای اول - مشجر . کتاب انالوطیقاالثانی - مشجر . و کتابهایش مورد توجه نیست ، زیرا عباراتش مغلط و سبک است .

### ابن کرنیب

ابواحمد حسین بن ابوالحسین اسحاق بن ابراهیم بن یزید کاتب ، معروف بابن کرنیب ،



از بزرگان متکلمان بود که پیروی از مذاهب فلاسفه طبیعیین داشت . و برادرش ابوالعلاء از علماء هندسه بود که ما در جای خود خواهیم گفت ، اما خود ابو احمد بسی نهایت با فضل و با معرفت و متبحر در علوم طبیعی باستانی بوده ، و در سال ... در گذشت . این کتابها از اوست : کتاب الرد علی ابی الحسن ثابت بن قسرة فی نفیه وجوب وجود سکونین بین کل حرکتین متضادین . کتاب مقالة فی الاجناس والانواع وهی الامور العامیه .

### فارابی

ابو نصر محمد بن محمد بن محمد بن طرخان ، نژادش از فاریاب<sup>۱</sup> خراسان ، و از برجستگان در صناعة منطق و علوم باستانی بود و این کتابها از اوست : کتاب مراتب العلوم . کتاب تفسیر قطعة من کتاب الاخلاق لارسطاليس . فارابی تفسیرهایی از تألیفات ارسطو دارد ، که در دست مردم موجود و متداول است . کتاب القیاس - قاطیغوریاس . کتاب البرهان - انالوطیقا الثانی . کتاب الخطابیه - اروطوریقا . کتاب المغالطین - سوفسطیقا . که مجموعه مانند است . و در منطق مجموعه‌های کوچکی نیز دارد .

### ابویحیی مروزی

این شخص بر ابو بشرمتی بن یونس قرائت داشته ، و از فاضلان سریانی بود ، و آنچه در منطق و جز آن دارد بسریانی تألیف کرده و از پزشکانی بود که در مدینه السلام شهرت داشت .

### ابویحیی مروزی دیگر

باقضای مقام او را ذکر مینمائیم ، چون طبیب و عالم بهندسه بود .

### تک دانه کتابهاییکه مؤلفان آنها متفرقند

کتاب السرب المظلم فی سر الخلیقة ( تألیف یلوسوس )<sup>۲</sup> کتاب مرولس<sup>۳</sup> فی تدبیر المنزل . کتاب ...

۱- فاریاب ناحیه ایست در ترکستان کنار نهر سیحون و بنوشته یاقوت حموی طول و عرض آن در حدود یکروز راه است . ( قاموس الاعلام ترکی ) .

۲- ف ( علوسوس ) و پس از کتاب دوم آنرا آورده .

۳- ف ( روفس ) .



### متی بن یونس

ابوبشر متی بن یونس، که همان یونان است، و از مردم دیرقنی<sup>۱</sup>، و از کسانی بود که در اسکول مرمراری<sup>۲</sup> تربیت شده، و بر قویری، و بنیامین، و ابو احمد بن کرنیب قرائت داشته. و تفسیرهایی از سریانی بعربی دارد، و در عصر خود ریاست منطقیون را داشت. از تفسیرهای اوست: کتاب تفسیر الثلاث مقالات الاواخر من تفسیر ثامسطیوس. کتاب نقل کتاب البرهان الفص. کتاب نقل سوفسطیقا الفص. کتاب نقل کتاب الکون والفساد بتفسیر الاسکندر. کتاب نقل الشعر الفص. کتاب نقل اعتبار الحكم و تعقب المواضع لثامسطیوس. کتاب نقل کتاب تفسیر الاسکندر لکتاب السماء. که ابو زکریا یحیی بن عدی آنرا اصلاح کرده است. و متی تمام چهار کتاب منطوق را تفسیر نموده، و مردم در خواندن بآنها تکیه کنند و از کتابهای اوست: کتاب مقالة فی مقدمات صدربها کتاب انا لوطیقا. کتاب المقاییس الشرطیه.

### یحیی بن عدی

ابوزکریا یحیی بن عدی بن حمید بن زکریاء منطقی، که در زمان ما بر پیروان و اصحابش ریاست دارد. قرائتش بر ابوبشر متی، و ابونصر فارابی، و گروهی بوده و یگانه دوران خود میباشد و مذهب نصرانیان یعقوبی را دارد. روزیکه در میان وراقان بودیم، و من ویرا از زیاد نوشتن ملامت مینمودم بمن گفت، از صبر و حوصله من توجه شگفتی و تعجبی داری، من از تفسیر طبری دو نسخه بخط خود نوشتم و برای پادشاهان اطراف فرستادم، و از کتابهای متکلمان باندازه نسخه برداری کرده‌ام که از شماره بیرونست، و بیاد دارم که در حیات خود شب و روزی نگذشت که من صد صفحه یا کمتر ننوشته باشم. و تولدم در سال ... بود.

وی در سال .. وفات یافت، و از کتابها و ترجمه‌های اوست: کتاب تفسیر کتاب طوبیقا لارسطالیس، مقاله فی البحوث الاربعة. کتاب رسالته فی نقض حجج کان انفاذها الرئیس فی نصره قول القائلین بان الافعال خلق الله و اکتساب للعبد<sup>۳</sup>.

۱- دیری است در شانزده فرسنگی بغداد و جزء نهر وانست و تادجله يك ميل فاصله دارد و معروف بدیر مرمراری بوده و بآن دیر اسکول نیز گویند. (معجم البلدان)  
 ۲- اسکول مرمراری در دیرقنی نزدیک بغداد است که دانشمند و مترجم شهیر متی بن یونس در آن تربیت شده (تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی ص ۱۵- و ۸۳) و احتمال می‌رود که کلمه (اسکون) دنبال (دیر) در معجم البلدان (اسکول) باشد که -ل- آن تصحیف شده است.  
 ۳- ف (... بان الافعال لله تعالی والاكتساب للعبد).

## ابوسلیمان سجستانی<sup>۱</sup>

ابوسلیمان محمد بن طاهر بن بهرام سجستانی ، واز کتابهای اوست : مقاله فی مراتب قوی الانسان و كيفية الانذارات التي یندر بها النفس مما یحدث فی عالم الکون .

### ابوزرعه

ابوعلی عیسی بن اسحاق بن زرعة بن مرقس بن زرعة بن یوحنا ، در زمان ما حیات دارد ، ویکی از برجستگان علم منطق و علوم فلسفی ، واز مترجمان بسیار خوب است ، ولادتش در بغداد ، در ماه ذی حجة سال سیصد و سی و یک بوده ، واین کتابها از اوست : کتاب اختصار . کتاب ارسطاليس فی المعمور من الارض - یکمقاله . کتاب اغراض کتب ارسطاليس المنطقيه - یکمقاله . کتاب معانی ایساغوجی - یکمقاله . کتاب معانی قطعة من المقالة الثالثة من کتاب السماء - یکمقاله . کتاب فی العقل - یکمقاله که منتشر نشد . کتاب النمیمة - مقاله ایست که ترجمه کرده است .

### ترجمه های او از سریانی

کتاب الحيوان لارسطاليس . کتاب منافع اعضاء الحيوان - بتفسیر یحیی النحوی - مقاله فی الاخلاق - مؤلفش مجهولست . کتاب خمس مقالات من کتاب نيقولاوس فی فلسفة ارسطاليس . کتاب سوفسطيكا الفص لارسطاليس .

### ابن خمار

ابوالخیر حسن بن سوار بن بابا بن بهرام<sup>۲</sup> در زمان ما : و از فضلا ، در منطق است ،

۱- ابوسلیمان سجستانی منطقی ساکن بغداد ، برمتی بن یونس و امثال او قرائت داشته و صدر نشین مجلس سخن در این باره - منطق - بود ، و بزرگان و روساء با و روی می آوردند . ابو سلیمان از يك چشم نابینا ، و مبتلا به بیماری پیسی است که شفایش را از خداوند مسئلت داریم ، و بهمین سبب از مردم کناره گیری نموده و خانه نشین میباشد . و جز دانشجو کسی نزد او نمیرود . و بسیار علاقمند بدانستن اخبار دولتی بوده بزرگانی که بملاقاتش میروند از جریانات و پراآگاه دارند . و ابوحیان توحیدی از شیفتگان او است و کتاب الامتاع و الموانسه را برای او تألیف کرده ، و سرگذشتهای مجلس ابوالفضل عبدالله بن عارض وزیر صمصام الدوله پسر عضد الدوله را در آن آورده . و این کتاب برای کسانی که با علوم گوناگون سرو کار دارند در پهای موافی است (نقل از تعلیقات فلوکل ص ۱۲۱) .

۲- ش (بهنام)

قرائتش بریحیی بن عدی بوده و بی نهایت با ذکاوت، و فطانت، و با اطلاع از علوم یارانش میباشد. تولدش در ماه ربیع الاول سال سیصد و سی و یک و این کتابها از اوست: کتاب الهیولی یکمقاله، کتاب الوفاق بین رأی الفلاسفة والنصارى - سه مقاله، کتاب تفسیر ایسا غوجی - مشروح، کتاب تفسیر ایسا غوجی - مختصر، کتاب الصدیق والصدیقة - یکمقاله، کتاب سیرة الفیلسوف - یکمقاله، کتاب الحوامل - یکمقاله در پزشکی، کتاب فی دیابطا و معناه التقطیر - یکمقاله، کتاب فی الاثار المخیلة<sup>۱</sup> فی الجو الحادثة عن البخار المائى وهى الهالة والقوس والضباب - یکمقاله.

### ترجمه‌های او از سریانی عبری

کتاب الاثار العلویه - ترجمه، کتاب اللبس فی الکتب الاربعة فی المنطق الموجود من ذلك، کتاب مسائل ثاوقرسطس - ترجمه، کتاب مقالة فی الاخلاق - ترجمه.

### عوقی

از مردم بصره، و در زمان ما میباشد. نامش... و از کتابهای اوست...



# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن دوم - از مقاله هفتم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

اخبار صاحبان تعالیم از مهندسان ، و علماء ریاضی و موسیقی  
و محاسبان و منجمان و سازندگان آلات و اصحاب حیل و حرکات<sup>۱</sup>

اقلیدس

صاحب جومطریا<sup>۲</sup> بمعنای هندسه

اقلیدس بن نوقطرس بن برنیقس ، مخترع هندسه ، و مبرز در آن ، که بر ارشمیدس